

حجت الاسلام رفسنجانی:
«بدون حضور نیروهای
که حاضرند مخلصانه
به انقلاب خدمت بکنند
کارها به پایان نمی رسد»

■ برآستی که اگر مسئولان جمهوری اسلامی به همان میزان که دشمنان انقلاب را شناخته اند ، از دوستان انقلاب نیز شناخت روشنی می داشتند ، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اکنون در چه پایه ای از رشد و شکوفایی که نبود !

در صفحه ۲

مانور نظامی امریکا نمایش سیاست جنگ و تجاوز ریگان علیه خلق های منطقه

■ تلاش ریگان و متحدان آن برای برپایی مانور " ستاره درخشان " نمی تواند از مرگ و خاموشی ستاره امپریالیسم جلوگیری نماید . ستاره سرخ رهایی خلقهای جهان تابناک تر از همیشه می درخشد .

در صفحه ۲

جمع بندی ۵ ماهه و ویژگی برجسته لحظه کنونی

در صفحه ۴

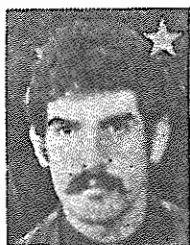
کارگران عدالت می خواهند

در حاشیه سخنان وزیر جدید کار که گفت: " ما به کارگر باج نمی دهیم ولی ظلم هم نمی کنیم "

در صفحه ۷

فدائیان خلق «اکثریت» هادی بغدادی و احمد محبّی

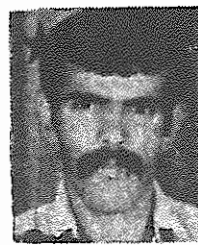
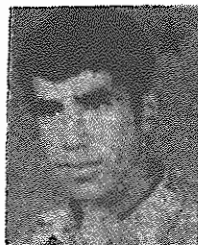
در جبهه های کرخه نور
ود هلاویه در سنگر
پیکار علیه متجاوزین
امریکائی - صدامی
به شهادت رسیدند



در صفحه ۱۵

فدائیان خلق «اکثریت» عبدالرسول و محمد دشتیاری زاده

به دستور بروجردی
حاکم شرع دادگاه
انقلاب شیراز و سرپرست
دادگاه های فارس
خودسرانه به جوخه
اعدام سپرده شدند



در صفحه ۱۴

متحد شوید!

تضامینات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم توپیم

مانور نظامی امریکا نمایش سیاست جنگ و تجاوز ریگان علیه خلق های منطقه

خلقه‌های سراسر جهان دست در کار درهم شکستن بی‌وفا امپریالیسم هستند ، مبارزه کارگران در کشورهای امپریالیستی در حال اوج‌گیری است ، نفرت علیه سیاست جنگ و تجاوز امپریالیسم سرتاسر قاره اروپا را دربر گرفته است ، نهضت جهانی صلح شکفته می‌شود . این همه نشان فروپاشی ناکزیر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا است . تلاش ریگان و متحدان آن برای برپایی مانور " ستاره درخشان " نمی‌تواند از مرگ و خاموشی ستاره امپریالیسم جلوگیری نماید . ستارخ سرخ رهایی خلقهای جهان تابناک‌تر از همیشه می‌درخشد

جهانی را در پیش می‌گیرد ، پنتاگون ناتوان‌تر از همیشه بمب‌های نوترونی ، موشک‌های ام‌ایکس ، بمب‌افکن‌های گول‌پیکر بی ۵۲ هواپیماهای جاسوسی آواکس نیروهای واکنش سریع و ناوگان‌های دریایی خود را به رخ خلقهای محروم و مبارز جهان می‌کشد ، تابه خیال خام خود آنان را مرعوب سازد . امپریالیسم بسرکردگی امریکای جنایتکار در برابر امواج خروشان و توفنده خلقهای سراسر جهان برای صلح ، استقلال ، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی در هراس مرگ است و با جنسون خیره‌کننده‌ای دست درکار ماجراجوی نظامی است

نظامی و توان سرکوبگرانه رژیم‌های سرسپرده‌اش بیافزاید و از سوی دیگر زمینه‌های دخالت نظامی آینده خود را فراهم آورد . مانور " ستاره درخشان " و دیگر مانورهای مشابه در منطقه در عین حال حلقه‌ای از سلسله زنجیر سیاست تجاوزکارانه دولت ریگان است امپریالیسم آمریکا و دولت ریگان اکنون درمانده‌تر از همیشه در برابر گسترش جنبش‌های رهایی‌بخش خلقهای جهان و در برابر مبارزه تمامی خلقها برای تحقق صلح ، استقلال ، دموکراسی و سوسیالیسم آشکارا سیاست تجاوز نظامی ، برپایی جنگ جهانی و جنگ هسته‌ای و تهدید آشکار صلح

است از هم اکنون بیش از ۴۰۰۰ تن نظامی آمریکایی به همراه ۵۰۰ تانک و خودرو و دیگر تجهیزات جنگی جهت اجرای این مانورها وارد مصر شده‌اند . رهبری این مانورها را که بیش از ۶۰ میلیون دلار هزینه دارد و در آن هواپیماهای (بی ۵۲) آمریکا نیز شرکت دارند ، ژنرال " رابرت کینکستون " فرمانده نیروهای واکنش سریع آمریکا به عهده دارد . آمریکا به دنبال انقلاب ایران و گسترش مبارزات خلق فلسطین و خلقهای منطقه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم‌های دست‌نشانده می‌کوشد از یک سو بیش از پیش بر تقویت بنیه

به دنبال گسترش سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان ، دامنه عملیات ، کمک‌های نظامی ، مانورهای دوجانبه و چندجانبه ، ایجاد و گسترش پایگاه‌های نظامی و ارسال تجهیزات مدرن جنگی و جاسوسی به منطقه خاورمیانه و خلیج فارس نیز فزونی می‌گیرد . مانور مشترک آمریکا و مصر موسوم به " ستاره درخشان " و مانور مشابه دیگری که با شرکت آمریکا ، سودان ، سومالی و عمان ، از ۱۶ نوامبر آغاز می‌گردد ، نمود بارز دیگری برگسترش سیاست‌های جنگ‌افروزان و تجاوزکارانه آمریکا در سطح منطقه خاورمیانه و خلیج فارس

در سخنان آقای رفسنجانی بارقه‌های امیدبخشی از دست‌یافتن به ملاک‌های تازه برای تشخیص امکانات و نیروهای انقلاب مشاهده می‌شود . خدمت مخلصانه به کشور و انقلاب و مردم " یعنی پای‌بندی به آماج‌های انقلاب شوهمند مردم ایران این است تنها ملاکی که با آن ملاک می‌باید درهای فعالیت سازنده و انقلابی را به روی دارندگان آن گشود . لیبرال‌ها ، خائنینی می‌مانند بنی‌صدر و تمام نیروهای خط‌سازش با حربه تخصص بدون آنکه مشخص کنند که این تخصص در خدمت چه اهدافی و چه نیروهایی باید قرارگیرد ، سعی داشتند نهادهای مردمی و جوشیده از انقلاب را به انحلال کشانند نیروهای مبارز و انقلابی را از مراکز قدرت دور سازند و برای سلطه غارتگرانه آمریکا جاده را صاف کنند . انقلاب این تجربه را پشت سر نهاد و امروز می‌تواند و باید درک کند که " نیروهای انسانی تحصیل‌کرده و دوره‌دیده مجرب پرشماری وجود دارند که به آماج‌های انقلاب پای‌بندند و با احساس مسئولیت و تعهد نسبت به

کشور و انقلاب و مردم خدمت بکنند کارها به پایان نمی‌رسد تجربه همه انقلاب‌های مردمی که توانستند به پیروزی دست یابند ، نشان می‌دهد که برای تحقق آماج‌های انقلاب ، انقلاب می‌باید همه توان و نیروی خود را گرد آورد و خود را از حمایت همه کسانی که در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمنند برخوردار کند . شناخت درست امکانات انقلاب ، درک درست از نیروهای انقلاب شناسایی دوستان و پشتیبانان انقلاب هم در بعد ملی و هم در بعد جهانی ، امروز مساله سرنوشت‌ساز انقلاب ایران است . دشمنی کینه‌توزانه ارتجاع جهانی بسرکردگی امریکا و ضدانقلاب داخلی که شب و روز برای درهم شکستن انقلاب در تلاشند به نیروی صدیق خط‌امام این امکان را داده است که درک نسبتا روشنی از دشمنان انقلاب بدستی آورند . براسی که اگر مسئولان جمهوری اسلامی به همان میزان که دشمنان انقلاب را شناخته‌اند ، از دوستان انقلاب نیز شناخت روشنی می‌داشتند ، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اکنون در چه پایهای از رشد و شکوفایی که نبود !

واقع بین خط‌امام علیه بر دشواری‌هایی که بر سر راه شکوفایی جمهوری اسلامی وجود دارد گام‌های بلند تازه‌ای به پیش برمی‌دارند . هنوز در درون حکومت و در کنار آن فراوانند کسانی که هر انسان متعهد به انقلاب را تنها به این دلیل که همه اندیشه‌ها و کردارشان را نمی‌پذیرند از خدمت به جمهوری اسلامی بازمی‌دارند و با ملاک‌های نادرستی که در تشخیص دوست و دشمن انقلاب دارند ، همچنان دست در کار حذف امکانات و نیروهایی هستند که به انقلاب تعلق دارند و می‌باید در خدمت انقلاب قرار گیرند این گروه که متاسفانه در میان نیروهای خط‌امام و مسئولین جمهوری اسلامی دارای وزن سنگینی نیز هستند ، حامل یک بیماری خطرناک در انقلابند . بیماری که بخش‌های حساسی از پیکر جامعه را در آستانه فلج کشانده است عارضه مخرب این گروه تحلیل‌بردن نیرو و امکاناتی است که جمهوری اسلامی برای پیشرفت و شکوفایی در اختیار دارد . شاید اولین بار است که مقامی در طراز رئیس مجلس ، صادقانه اعتراف می‌کند که " بدون حضور کسانی که حاضرند مخلصانه به این

حجت الاسلام رفسنجانی:

!،ون حضور نیروهای که حاضرند مخلصانه به انقلاب خدمت بکنند کارها به پایان نمی‌رسد

انسانی و کسانی که حاضرند مخلصانه به این کشور و انقلاب و مردم خدمت بکنند کارها به پایان نمی‌رسد " این سخنان رئیس مجلس در سطح کشور و در محافل سیاسی که برای شکوفایی جمهوری اسلامی ایران پیگیر و بی‌ترزل می‌رزوند ، شادمانی استقبال شد . " بشارت " آقای رفسنجانی نشان آن است که نیروهای

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه هفته گذشته خطاب به " نیروهای انسانی تحصیل‌کرده و دوره‌دیده و مجرب " اعلام کرد : " من به آنها بشارت می‌دهم که مسئولان کشور هم به این نتیجه رسیدند که بدون حضور شما نیروهای متخصص و نیروهای

یادداشتی بر سالگشت تسخیر جاسوسخانه آمریکا

همه قلم ها و همه مسلسلها را بسوی آمریکان نشانه بروید

اراده و استقامت مردم ما ،
قوی تر از
موشک های آمریکو
رژیم صدام ...

نقشه از صفحه ۱۶

حمله موشکی صدام جنایتکار به شهرها
بیانگر زبونی او و قدرت اراده مردم ماست

پخش فیلم مصاحبه با یک جاسوس آمریکایی از سیماي جمهوری اسلامی ایران بود. متن سراپا جعلی و دروغی ، شیوه پرداخت و موساز فیلم و تاكدهای قطب زاده وار گوینده همه به گونه های تنظیم شده بود تا یک ایده آمریکایی را به بینندگان القا کند " فدایی اکثریت و تودهای دوست آمریکاست " پخش برنامه هایی از این دست که قطب زاده استاد آن بود ، در شرایطی که نیروهای خط امام ، جاسوسان سیا ، دوستان برزیسکی و سروهای خط حازش را طرد کرده اند تنها سانه آن است که " تقاضاهای آمریکا " هنوز در مهمترین دستگاه ارتباط جمعی دارای حضور و نفوذند .

آنچه که اکنون قابل تاكید است این است که گرامستولین جمهوری اسلامی و بویژه مسئولین سیماي جمهوری اسلامی اجازه می دهند - در فراگیرترین رسانه گروهی آن هم در شرایطی که بین از هر زمانی انقلاب نیازمند حفظ وحدت صفوف مردم و تمیز روشن تر صفوف دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری است. این چنین صف دوست و دشمن انقلاب درهم ریخته شود و ابدهای کسانی تبلیغ شود که در خیانت و دشمنی تان با مردم و انقلاب دیگر جای هیچگونه تردیدی وجود ندارد. مردم انقلابی میهمان بخوبی از نقش و فعالیت پیگیر فدائیان خلق اکثریت در حمایت از دانشجویان بیرو خط امام اطلاع دارند و خود ناظر راهبمبایی های مکرر صدها هزار نفری آنان در بستنایی از اقدام انقلابی دانشجویان

بقعه در صفحه ۷

باشیز ۵۸ ، آنگاه که به دنبال تصرف لانه جاسوسی پیرو دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ، لبرالها ، این دوستان و جاسوسان آمریکا بیایی افتاد و رسوا می شدند آنان می کشیدند تا با تثبیت به هر حيله و نیروگی ولو بطور موقت خود را نجات دهند . از یک سو تسخیر انقلابی مرکز جاسوسی آمریکا را کاری " ماجراجویانه " و " شیطانی " ! و عامل انزوای جمهوری اسلامی در جهان " معرفی میکردند و زبان پیر کهنه کار خود مهندس سازگان دانشجویان پیرو خط امام را " پیرو شیطان " می نامیدند و از سوی دیگر محیلانه می کشیدند ، مردم را به تصرف سفارتخانه کشورهای دوست و پشتیبان انقلاب و دشمنی با پیگیرترین نیروهای مدافع انقلاب و پشتیبان دانشجویان از جمله فدائیان خلق برانگیزند .

اسمال نیز در سالگشت آن رویداد تاریخی بار دیگر این نیرنگها رخ نمود. اینجا و آنجا شعارهایی علیه دوستان انقلاب ایران علیه شوروی و علیه فدائیان خلق ساز می گشت. کوشش می شد تا فدائیان خلق را که مصمصانه تا به آخر از عمل انقلابی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا پشتیبانی کرده بودند در برابر این عمل انقلابی نشان دهند. و به وقیحانه ترین صورتی نیروهای اصیل سوسیالیسم علمی را در کنار " مارکسیسم آمریکائی " و در رابطه با جاسوسان آمریکا بدنام معرفی کند! از جمله برخورددهای خصمانه ، مغرضانه و غیره - مسئولانهای که به بهانه سالروز تسخیر انقلابی مرکز جاسوسی شاهد بودیم ،

سالگشت تسخیر انقلابی لانه جاسوسی. اسمال سز با شوری فراوان و با شنوهی چشمگیر برگزار گردید. صفوف متحد و یکپارچه مردم شعارهای خشمگین و کوبنده ، زبانه های گلرنگ آتشی که پرچم ننگین آمریکا را به کام می کشید ، منرسک های وحشت زده و بوشالین ریگان و عموسام و نیز خروش پر صلابت شعار " مرگ صدام آمریکا " همه نشان از راه مشترک ، دشمن مشترک و نبرد مشترک داشت. فدائیان خلق نیز همچون روزهای تصرف لانه جاسوسی - جز جدایی پایدار این خروش و تکاپو بودند. آنان با به پای توده های میلیونی مردم میهمان در سراسر کشور ، مصمم و برخورد در بزرگداشت این روز تاریخی شرکت داشتند. بسیاری از رفیقان فدائیمان سالروز تصرف لانه جاسوسی را در سنگرهای جنگ تجاوزگزارانه رژیم آمریکایی ، صدام برگزار کردند و به همین مناسبت پیام های شادباشان را برای مردم و برای سازمان ارسال داشتند سالگشت تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ، همچون روز تسخیر آن ، در یک کلام روز علیه خصم مشترک بود .

ولی به همانگونه که در روزهای تصرف لانه جاسوسی دست هایی در کار بود تا به هر اندازه که می تواند در این صفوف متحد و یکپارچه شکاف ایجاد کند ، و در پرتو آن آمریکا ، خصم مشترک مردم را به فراموشی سیارد ، اسمال نیز در کنار خروش یگانه مردم نغمه های سوم وحدت ستیز و دشمن شادکس نیز برخاست در روزهای فراموش نشدنی

چاره های جز توسل به ترفند ردی لانه حمله موشک به شهرها ندارد. او باید به هر طریق ممکن به جهانیان بگوید که بازنده نیست ، که هنوز توش و توان جنگ را دارد ، که هنوز نقشه توسعه طلبانه اش را امیدی هست پس دست به عملی می زند که ممکن و سهل باشد زرادخانه موشکی صدام انباشته از سلاح های مخرب و مرگ آور است و آتش زدن به نظیله نیاز به طرح و نقشه نظامی ندارد. و اینگونه است که در نیمه های تاریک شب در یک لحظه آسمان شهری از جنوب میهن ما چون روز روشن انفجار مهیب دهبازن و مرد و کودک ، ناجوانمردانه قربانی خیمه شب بازی خونین دار و دسته صدام می گردند ما در غم از دست دادن یکایک هموطنان خوزستانی احساس درد و مصیبت می کنیم . ما از شهادت ان سروهای استقامت عمیقاً غمگینیم اما می دانیم که برای رهایی از این فجایع برای مقابله با تکرار شوم این کشتارها چاره های جز افزودن بر آتش سلاح هایمان علیه آمریکا نداریم . هموطنان ما قربانی توطئه جهانخواران امپریالیست گشته اند و میهن ما برای آزاد و صلح آمیز زیستن و رهایی از سلطه دشمنان خود چاره های جز پاسداری از دستاوردهای انقلاب و دمیدن بر آتش آن ندارد. این حقیقت ، در تلاش فرد فرد مردم این سرزمین بیخاسته ، متجلی است .

دادن جگرگوشه های خود سکوت کرده اند و خشم و نفرت خود را فرو خورده اند تا ننگ تسلیم در برابر مزدوران صدام را بر دوش نکنند. آنها این بار هم تحمل خواهند کرد دندان بر دندان خواهند فشرد و جانانه تر ، از انقلاب دفاع خواهند کرد . آنها آینده ایرانی آباد و آزاد و مستقل را می خواهند و می دانند که برای دستیابی بدان از تحمل این رنجها گریزی ندارند. و چاره های نیست جز افزودن بر قدرت مقاومت ! اما چرا رژیم صدام برغم مشاهده این دژ استوار ایمان و اراده کماکان دست به این ترفندهای خانمانسوز محتوم به شکست می زند ؟ بلخ این پرش را تنها بایستی در وضعیت ناامید کننده رژیم صدام و اوضاع درهم ریخته ارتش او یافت . اکنون که دیگر بر اثر تلاش حماسه آفرین رزمندگان قهرمان جبهه ها و مردم ایثارگر پشت جبهه ها دیگر رویاهای تصرف خوزستان و صدور ضدانقلاب دود گشته و به هوا رفته است اکنون که ارتش تا دندان مسلح صدام برغم ککهای پیدریخ دولت های مرتجع آمریکایی منطقه از عربستان و مصر گرفته تا اردن و عمان در برابر دژ مقاومت مردم بیخاسته میهمان راهی جز توقف و عقب نشینی ندارد و اکنون که همسویی آشکار باند صدام با سیاست های تشنج آفرین آمریکا در منطقه برای تودهای مردم عراق روشن می شود ، رژیم صدام

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

جمع بندی ۵ ماهه و ویژگی برجسته لحظه کنونی

جمع بندی ۵ ماهه

از اواخر خرداد تا همین اواخر انقلاب ما یکی از حادثه‌ترین ماههای حیات نوپای خود را پشت سر نهاده است. اکنون دیگر ناظری با حداقل بینش سیاسی هم می‌تواند به روشنی فرجام برخوردهای سهمگین طبقات در ماههای گذشته را ببیند و بشناسد. یک بار دیگر انقلاب در یک نبرد مرگ و زندگی با ضدانقلاب پیروز گردیده است. امروز دیگر مسلم شده است که اهداف شوم ترویج ترور ضدانقلابی برای ایجاد جو بی‌ثباتی و ناآمنی و زمینه‌سازی برای سرنگونی انقلاب و جمهوری اسلامی با شکست‌های خردکننده‌ای مواجه شده است.

در مقطع خردادماه زمانی که بنی‌صدر و لیبرال-مائوئیست‌های حامی وی به آخرین تلاش مذبحخانه برای تحکیم مواضع خط‌سازش دست می‌یازیدند، مجاهدین و همراهان چپ‌رو آنان اینطور تبلیغ می‌کردند که گویا نیروهای خط امام می‌خواهند "همه نیروهای انقلابی" را سرکوب کنند و طرفداران آمریکا و اذناپیش را روی کار بیاورند. آنها شعار می‌دادند که "در برابر هجوم لجام‌گسیخته ارتجاع مقاومت کنید! مقاومت، مقاومت" جبهه متحد ضدانقلاب که این بار با کمک بنی‌صدر و خیانت مسعود رجوی فکر می‌کرد با انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و به شهادت‌رسانیدن بخش مهمی از مسئولان جمهوری اسلامی، جان تازه‌ای گرفته، اینطور وانمود می‌کرد که "خط امام در حال سقوط است و اگر یک کمی بیشتر فشار بیاوریم حکومت را می‌گیریم" در مرداد ماه بود که بنی‌صدر گفت "اصل‌گاری‌ها را از سر راه برداشته‌ایم، اگر پنج نفر دیگر را هم از سر راه برداریم، کار تمام است" در همین مرداد بود که بنی‌صدر و رجوی "دولت" تشکیل دادند و یکی رئیس‌جمهور شد و دیگری "نخست‌وزیر" در ۸ شهریور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر جمهوری اسلامی و چند روز بعد دادستان انقلاب را به شهادت رسانیدند سپس مجاهدین با تاکتیک "بسیار خردمندانه" تظاهرات مسلحانه به میدان آمدند و احمقانه‌ترین و در عین حال جنایتکارانه‌ترین روش‌ها در مبارزه سیاسی را عرضه کردند. شلوغ‌کاری‌ها و تبلیغات شایدانه بنی‌صدر و رجوی که از جانب تمام شبکه‌های خبری امپریالیستی به بهترین‌آب و رنگ‌ها آراسته می‌شد، اوضاع و تناسب نیروی طرفین را بکلی واژگونه جلوه می‌داد. این تبلیغات بسیاری از ساده‌لوحان را فریب داد و در دام تروریسم غلطانید. تمام ماشین‌عظیم تبلیغات ضدانقلابی در کار شد که اولاً ماهیت ضدامپریالیستی و مردمی نیروهای خط امام را پنهان کند و واژگونه جلوه دهد، ثانیاً تناسب قوا را آشکارا به سود نیروها راستین مدافع انقلاب بود، به سود بنی‌صدر بنمایاند و اینطور وانمود کند که گویا مردم از امام برگشته‌اند و بنی‌صدری شده‌اند. اما واقعیات با وضوحی خیره‌کننده ارزیابی دقیق و روشن‌بینانه مدافعین پیگیر انقلاب را چه در زمینه ارزیابی مضمون تحولات ماههای اخیر و چه در زمینه تناسب قوا به اثبات رسانید.

اکنون دیگر به‌وضوح دیده می‌شد که چگونه مبارزات و فداکاری‌های توده‌های دهها میلیونی

شهر و روستا بر یکی از خطرناک‌ترین توطئه‌های امپریالیستی غلبه کرده و نقشه شوم آنان را برای اشاعه تروریسم و برهم‌زدن ثبات و آرامش جامعه انقلابی ما درهم شکسته است. ۵ ماه از آغاز تهاجم وسیع تروریسم می‌گذرد. اکنون دیگر با اطمینان می‌توان تاکید داشت که این نقشه شوم امپریالیستی نیز از رهق و رونق افتاده‌است. تروریست‌ها طی چهارماه‌اول تهاجم خودضربات مهلکی خورده‌اند. این ضربات تنها به کشته‌شدن بخشی از کادرها و فعالیت عملیات تروریستی محدود نیست، مهمترین ضربه، ضربه‌ای است سیاسی. زیرا، مدام چیزی در اندیشه هریک از مجاهدین خلق و همراهان رژه می‌رود که سازمان ایشان را، به مثابه یک سازمان، بکلی فلج کرده است. مروری مکرر و مداوم بر شبح شکسته و شوم ۵ ماهه گذشته تمام سلول‌های مغز چپ‌روها را در تمامی لحظات تسخیر کرده است.

اکنون روزهایی است که اکثر چپ‌روها کمابیش شهادت آن را یافته‌اند که توصیه‌ها و نقشه‌های رهبران خود را به دقت واری کنند و آن را با سخنان دیگر مقایسه کنند و درباره درستی یا نادرستی همه آنچه که می‌شوند قضاوتی فارغ از پیشداوری‌ها داشته باشند. اکنون نیروی سازمان مجاهدین از لحاظ روانی در همان وضعیت چهار پنج ماه پیش نیست. هزاران سؤال دارد که مانع از آن است دستورات رهبری را چشم بسته به اجرا گذارد. کمتر مجاهدی است که امروز بعد از این قمار جنون گرفته و خونین، باز هم همان چیزهایی را باور داشته‌باشد که ۵ ماه پیش قبول داشت.

"آیا مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی، آن هم در این شرایط درست است؟"

این سؤالی است که اکثر چپ‌روها ۵ ماه پیش با توجیحات مختلف به هر حال به آن جواب مثبت می‌دادند. اما امروز به هر گوشه که بنگری با توجیحات مختلف به هر حال به آن صریحاً پاسخ مثبت نمی‌دهند. چپ‌روهایی که تردید کرده‌اند، یا حساب می‌کنند که با این کارها نمی‌شود حکومت را سرنگون کرد و تلفاتش زیاد و بهر‌هش صفر است. و یا درک می‌کنند که با ضدانقلاب و امپریالیسم عملاً در یک جبهه بوده‌اند و به سود سرمایه‌داران عمل کرده‌اند. و یا پی برده‌اند که شرط صداقت انقلابی و وفاداری به آرمان خلق اساساً آن است که در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب و تلاش‌های خط‌سازش، از خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی با تمام نیرو پشتیبانی کنیم و در راه وحدت همه نیروهای خلق بکوشیم.

چه عاملی بطور عمده موجب تزلزل و تغییر فکر چپ‌روها شده است؟

در پاسخ به این سؤال باید قبل از هر چیز روی پتک واقعیت و در راس همه روی حضور توده‌های میلیونی مردم در صحنه و حمایت فعال آنان از رهبری امام خمینی انگشت گذاشت. این واقعیت نمی‌تواند مغز هرکس را که حسی اندک بویی از صداقت انقلابی برده باشد، تکان ندهد. اما در اینکه چه عاملی می‌تواند این تکان‌های فکری را به سوی انقلاب جهت داده و آنان را از غرق‌شدن در آغوش ضدانقلاب مانع شود باید مشخصاً روی روشنگری

مطبوعات مترقی و دیگر رسانه‌ها و بطور مشخص روشنگری نشریه "کسار" انگشت گذاشت. البته که اقدام بسیار شجاعانه و قهرمانانه محمد رضا سعادت‌ی نیز در این میان جای خاص و ویژه‌ای در سمت‌دادن ذهن هواداران صدیق مجاهدین داشته‌است.

در اینجا حتماً سؤال می‌شود که پس نقش "قاطعیت" دادگاه‌های انقلاب در سرکوب تروریسم در تزلزل فکر مجاهدین چه می‌شود؟ آیا صدور بیش از ۱۵۰۰ حکم اعدام برای اینها درس عبرتی نبوده‌است که به سوی انقلاب فراخوانده شوند؟ در پاسخ به همین سؤال بیانه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌گوید:

تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده است که نه با ترور و کشتار و نه با اعدام و زندان هراندازه هم که پر دامنه باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته‌اند، نابود کرد. افکاری که در مغزها جای گرفته‌اند اگر نادرست باشند، تنها از راه ارشاد و اقتناع جای خود را به افکار درست می‌دهند.

ما موکداً بر این اعتقادیم که گرچه ممکن است از طریق تشدید رعب و هراس در جامعه آرامشی به ظاهر متین را برقرار ساخت، لکن چنین روشی مسلماً جمهوری اسلامی را که بنا به قانون اساسی: "نظامی است بر پایه ایمان به گرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او" از مضمون خود دور می‌کند چنین روشی مسلماً به:

- ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی
- ۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر" (نقل از اصل سوم قانون اساسی)

کمکی نمی‌کند. متأسفانه به علت ارزیابی‌های نادرستی که برخی از مسئولین جمهوری اسلامی از تناسب قوای انقلاب و ضدانقلاب داشتند و براساس همین ارزیابی نادرست با سراسیمگی و بی‌تدبیری با تروریسم مواجه شدند و هم به علت برخی غرض‌ورزی‌ها و اعمال نفوذهای جهت‌دار، دادگاه‌های انقلاب با صدور تعداد قابل ملاحظه‌ای احکام اعدام درباره کسانی که مستقیماً در عملیات مسلحانه شرکت نداشته‌اند و یا کسانی که اصلاً در هیچ عملی علیه جمهوری اسلامی مشارکت نداشته‌اند و حتی برای برخی از بهترین مدافعان پیگیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران،

اولاً - بهانه به دست بدخواهان داد که هم در داخله و خارجه چهره ناستوار و خشنی از جمهوری اسلامی ایران بسازند و هم مشروعیت دفاع عادلانه انقلاب از پیروزی‌های خود را مورد تردید قرار دهند.

ثانیاً - موجب شد روند ورشکستگی فکری و سیاسی منحرفین چپ‌رو گند شود و بادشواری مواجه گردد چپ‌روها بقیه در صفحه ۵

جمع بندی ۵ ماهه و ...

جز اعتراض به اعدام‌هایی که غیرقابل دفاع بود، دیگر هیچ حرفی برای توجیه حرف‌ها و اعمال خود نداشتند.

اگر بر این سخن باشیم که "درجه خشونت و اشکال مبارزه طبقاتی بیشتر از آنکه به روش نیروهای انقلابی بستگی داشته باشد به مقاومت محافل ارتجاعی در برابر اکثریت عظیم خلق در این یا آن مرحله از پیشرفت انقلاب بستگی دارد" آنگاه باید گفت که بسیاری از محافل وابسته به حکومت جمهوری اسلامی متأسفانه ارزیابی دقیق و واقع‌بینانه‌ای از حد مقاومت محافل ارتجاعی در برابر اکثریت عظیم خلق نداشته‌اند. البته این امر هیچگونه حقانیتی برای رهبران خاستن مجاهدین و ضدانقلاب و همچنین هیچیک از چپ‌روها ایجاد نمی‌کند که مدعی شوند حدود ۲۰۰۰ کشته ایشان در "جنگ مسلحانه" ای که علیه انقلاب راه انداخته‌اند رقم بزرگی بوده است. زیرا کسی که برای بدست گرفتن قدرت به اصطلاح "جنگ توده‌ای" غلم می‌کند، طبیعتاً می‌بایست بیه این چیزها را هم به تن می‌مالد منتهی از آنجا که مدافعان انقلاب هرگز نمی‌باید ارزیابی‌های خود را بر اشتباهات طرف قابل متکی کنند، مردم به حق بر این قضاوتند که بخش مهمی از احکامی که صادر شده‌اند بکلی غیر ضروری و بیه همین دلیل کاملاً غیر قابل توجیه بوده‌اند.

خوشبختانه در دو هفته اخیر، هم به واسطه فلج شدن گروه‌های چپ‌رو و هم به غلغله عیان‌تر شدن زبان‌های شیوه‌های سراسیمه و نستجیده مبارزه با تروریسم، چشم‌انداز نسبتاً امیدوارکننده‌ای گشوده شده‌است. مصاحبه‌های رادیو تلویزیونی و مطبوعاتی آقای موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب و سخنان آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در مورد اعدام‌ها و تأکیدات بر آنها مبنی بر اینکه کسانی که در عملیات مسلحانه شرکت گذاشته‌اند، اعدام نخواهند شد و از کسانی هم که صادقانه به آغوش انقلاب باز می‌گردند استقبال می‌شود و هواداران سازمان‌های مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی آزادند و دستگیر نمی‌شوند و مهمتر از همه تأکید مجدد روی پای‌بندی حکومت به اطلاعاتی ۱۰ ماهه همه نشانه‌هایی است از اینکه افق‌های تیره ۵ ماهه گذشته رو به باز شدن نهاده‌است. آیا این بدان معناست که اطلاعاتی ۱۰ ماهه‌ای دادستان بطور کامل اجرا می‌شود و حالت تعطیلی که بر آزادی‌های سیاسی قانونی به چشم می‌خورد به پایان می‌رسد؟

گرچه در دو هفته اخیر تغییر محسوس در روش دادگاه انقلاب مرکز و کاهش چشمگیر احکام اعدام به چشم می‌خورد، و گرچه طی همین مدت مشاهده شده‌است که عده‌ای از مدافعان انقلاب از جمله از (اکثریت) و توده‌ای‌ها را آزاد کرده‌اند، با این همه میلیون‌ها مبارز انقلابی هنوز مطلقاً در انتظارند که وعده‌های بهاره مسئولین جمهوری اسلامی که بیش از این عنوان شده بود عملی شود و این میهن انقلابی روی آرامشی متکی به قانون و عدالت اجتماعی را بازبینند. اکنون وقت آن است که هرچه زودتر به تاخیر در تأمین کلیه آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی و تعطیل بخش اعظم آنها پایان داده شود و حق فعالیت آزاد سیاسی برای همه نیروهای مدافع انقلاب با هر مرام و عقیده که باشند به

رسمیت شناخته شود. ارزیابی ما آن است که کوشش بیگیرانه و مسئولانه نیروهای مدافع انقلاب می‌تواند و باید در تأمین حق فعالیت آزاد سیاسی برای همه مدافعان نتایج مثبت و موثری ببار آورد با این همه باید عمیقاً درک کرد که مبارزه نیروهای روشن بین در این عرصه از بیکار انقلابی یا توجه به ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران و نیروهای فعال سیاسی موجود یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین پیکارهاست. عناصر تنگ‌نظر و خودمحوربین و گروه‌های فشار که متأسفانه در تار و پود این جمهوری به‌ویژه نهادهای انتظامی و قضایی آنقدر نفوذ دارند که خط حاکم بر جمهوری را در عمل کامبیش تحت تأثیر قرار دهند. عناصری که هر اندیشمندی را جز فکر خودشان هرگز تحمل نمی‌کنند همراه با کبشیری‌ها و کلاه‌ها و معزیه‌های افشاء‌شده از یک سو و فعالیت تروریستی و تخریبی ضدانقلاب و گروه‌های منحرف از سوی دیگر که از دست زدن به هیچ وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف خود دریغ ندارند می‌کوشند نگذارند آرامش متکی به قانون بر کشور ما مسلط شود. فاجعه سوزانیدن کودک سه ساله در اتوبوس شیراز و اعدام ناجوانمردانه و بکلی غیرعادلانه ۳ نفر از هواداران سازمان در همان وقت در شیراز و باز هم در مورد اخیر اعدام رفقای ما در بوشهر و از آن سو ادامه کامبیش وسیع تروریسم در شیراز نشانه‌های درستی است از اینکه نباید روشنی‌های محسوس‌را که در تهران و تاحدی تبریز شکل می‌گیرد به تمام کشور گسترش دهیم. هنوز بسیار زود است که از جرقه‌هایی که در اینجا و آنجا زده شده‌است اینطور نتیجه‌گیری شود که مبارزه‌ای که برای تأمین آزادی سیاسی برای محرومان و زحمتکشان جامعه ما جریان دارد پیچیدگی‌ها و دشواری‌های بسیار غامض خود را از سر گذرانیده‌است. با این همه همانگونه که بیانیه مشترک سازمان ما و حزب توده ایران تأکید دارد هرگز از یاد نبریم که:

"دشواری بر سر راه پیشرفت انقلاب شکوهمند میهن ما هنوز بسیار است ولی توان انقلاب برای چیره‌شدن بر این دشواری‌ها به مراتب زیادتراست"

ویژگی برجسته لحظه کنونی

اکنون که گرد و غبار سنگین امواج ترورها و اعدام‌ها کم‌کم فرو می‌نشیند بهتر از آغاز کار می‌توان به صحت ارزیابی‌های ما در مورد مضمون اصلی تحولات ۵ ماهه اخیر پی برد. رجوی و بنی‌صدر و بختیار، همراه با همه اربابان‌شان با شعبده و شیادی کوشش بسیار کردند که به مردم بباوراندند که گویا جنگ اصلی که حدت می‌یابد میان "آزادی" است با "ارتجاع". لاکن امواج خروشنده انقلاب، بیضه در کلاشان شکست. در این ۵ ماهه توده‌های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا با بانگ خروشنده "مرگ بر آمریکا" و "درود بر خمینی" نشان دادند که جنگ اصلی میان نیروهایی است که می‌خواهند انقلاب را در راستای ضدامپریالیستی و در راستای مردمی‌اش تعمیق برند و نیروهایی که تمام تلاش‌های اهریمنی خود را بکار انداخته‌اند تا مانع از این کار شوند. مدافعان "آزادی" برای سزای آمریکا از طریق اروپا و ژاپن و رویهم ریختن با کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان از دست میلیون‌ها مردم بپاخاسته ما سلیبی سختی

خورده‌اند:

"ویژگی برجسته لحظه کنونی انقلاب ما در این است که از یک سو با درهم شکسته شدن توطئه سازشکاران و تسلیم طلبان لیبرال و گمراهان چپ‌رو سد بزرگی از سر راه برای زرقش انقلاب در سمت‌گیری اساسی‌اش، یعنی سمت‌گیری ضدامپریالیستی و سمت‌گیری مردمی برداشته شده‌است و از سوی دیگر مقاومت عنودانه و جنایتکارانه طیف نیروهای دشمن انقلاب برای جلوگیری از این گرایش شدت می‌یابد (بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت))"

برای اینکه این "ویژگی برجسته لحظه کنونی" بیشتر شناخته شود باید دو نکته اساسی توضیح داده شود:

اول اینکه دلایل درهم شکسته شدن توطئه سازشکاران و چپ‌روها کدام است؟ و دیگر اینکه چگونه می‌توان گفت که مقاومت عنودانه دشمنان انقلاب شدت می‌یابد؟
ما در قسمت قبل یک وجه این مساله را توضیح دادیم که سازشکاران لیبرال و همراهان چپ‌رو ایشان شکست سختی خورده‌اند وجه دیگر مسئله پیروزی‌هایی است که مدافعان انقلاب بدست آورده‌اند. مهمترین این پیروزی‌ها عبارت است از:

۱- استقرار هماهنگ نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی و کنترل نسبتاً کامل این نهادها توسط نیروهای خط امام.

۲- رای بی‌تظیر و یکبارجه ۱۶ میلیونی به حجت‌الاسلام خامنه‌ای و انتخاب ایشان به ریاست جمهوری و گزینش آقای سید حسین موسوی به نخست‌وزیری، بارزترین حلقه در این زمینه است زیرا هر دو آنان بنا به سوابقی که مردم از آن مطلعند از شخصیت‌های مبارز پیرو خط امام خمینی بشمار می‌روند. کامبیش می‌توان مطمئن بود که ترکیب فوه اجراییه در همان راستایی قرار گرفته‌است که سایر قوا و مجموعه جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. اکنون میان قوای سه‌گانه و رهبری بار دیگر هماهنگی بارزی شکل گرفته‌است.

۳- رشد گرایش مثبت در سیاست خارجی و شکل‌گیری نخستین عناصر اصلی سیاست خارجی در خدمت انقلاب.

تا همین سنی هفت ماه پیش سیاست خارجی جمهوری اسلامی سیاسی بوده است مشخصاً در راستای منافع امپریالیستی‌ها و علیه منافس خلقهای محروم و ستمدیده جهان و از جمله خلق ایران. جهت اصلی سیاست خارجی سیاست دوری و دشمنی با مبارزات خلقها و اردوی انقلاب جهانی و نزدیکی یا کشورهای ارتجاعی و امپریالیستی بوده‌است. و با توجه به اهمیت حیاتی سیاست خارجی و تأثیر عظیمی که این سیاست در سمت‌گیری حکومت برجای می‌نهد بجاست که از همین حد از تصحیح به عنوان یک پیروزی مهم نیروهای مدافع انقلاب یاد کنیم. هرچند که هنوز هم که هنوز است علیرغم این سمت‌گیری مثبت، جمهوری اسلامی ایران راه درازی در پیش دارد که در این زمینه به همان سیاستی برسد که نزدیک‌ترین دوستان و متحدان وی در جهان بدان دست یافته‌اند. بزرگ‌اگر جمهوری اسلامی به همان میزان که دشمنان جهانی خویش را می‌شناسد، دوستان خود را هم

ویژگی برجسته ...

می‌شناخت آنگاه کاملاً ممکن بود ادعا شود که سیاست خارجی ایران بر مهمترین تناقض و نارسایی خود که سیاست دوری از دوستان خویش است غلبه یافته است .

— سومین و مهمترین پیروزی اساسی مدافعان انقلاب همانا آغاز جدی سمت‌گیری انقلاب در راستای مردمی آن است .

پاسخ تاریخی امام خمینی به رئیس مجلس و اختیارات بسیار مهمی که در زمینه تدوین قوانین ضروری به سود محرومان و ستمدیدگان است و تأکیدات مکرر مهمترین مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران در زمینه ضرورت براندازی بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری و بر کردن گودال‌های طبقاتی بجامانده از رژیم منقرض پهلوی ، همه و همه نشان می‌دهد که جوهره اصلی تمام کشمکش‌هایی که در بهار امسال راس جمهوری اسلامی ایران را به لرزه درآورده بود چیزی نبوده است جز تحدید مواضع نیروهای مدافع سرمایه‌داری در حکومت به منظور — سوق یافتن انقلاب در راستای خلقی آن و گام نهادن در راه تامین نخستین شرایط حرکت در جهت گسترش عدالت اجتماعی و بازستاندن حق محرومان و مستضعفان از چنگ غارتگران بزرگ مالک و کلان‌سرمایه‌دار .

انقلاب ایران در دو گام بسیار مهم و تاریخی یکی در زمستان ۵۷ و دیگری در پاییز ۵۸ خصلت ضد استبدادی و ضد سلطنتی و خصلت ضد امپریالیستی خود را آشکار ساخت و مدافعان سازش با شاه و سازش با آمریکا را به زیر کشید . روندهایی که از بهار امسال رو به گسترش نهاده است بطور عمده می‌رود که خصلت خلقی انقلاب ما را با وضوح و تابانگی شایسته‌ای عیان و آشکار سازد . پاسخ تاریخی امام به رئیس مجلس شورای اسلامی پاسخ انقلاب به خواست محرومان است .

کنار زدن بنی‌صدر و دار و دسته او در عین حال که خصلت ضد امپریالیستی انقلاب ایران را و تثبیت و راه سازش با آمریکا از طریق اروپا و ژاپن را سدود ساخت ، اولین جرقه‌های آغاز نبرد برای سمت‌یابی خلقی انقلاب را هم عیان ساخت . صفت‌بندی محافل و گروه‌های مدافع سرمایه‌داری به دفاع از بنی‌صدر ، دال بر صحت این ارزیابی است انقلاب ایران نیز به سان بسیاری از انقلابات رهایی‌بخش نیز به چنان حدی از رشد می‌رسد که شرط با انقلاب بودن دیگر به مرگ بر شاه گفتن و حتی مرگ بر آمریکا گفتن خلاصه نمی‌شود . اکنون برای با انقلاب بودن و آن را تقویت کردن لزوماً می‌بایست با مردم علیه کلان‌سرمایه‌داری و بزرگ مالکی بیا خاست و انقلاب را در جهت ضد کلان سرمایه‌داری آن یاری کرد .

ارزیابی مجموعه روندهایی که گذشته و می‌گذرد نشان می‌دهد که گرچه انقلاب برای سمت‌گیری خلقی خود موانع بزرگی از جمله دار و دسته بنی‌صدر ، را از پیش برداشته است لکن برای تثبیت و به بر نشستن خصلت مردمی انقلاب و پایان بخشیدن به غارتگری بزرگ مالکان و کلان‌سرمایه‌داران و مهار کردن رشد سرمایه‌داری هنوز می‌بایست پیچیدگی‌ها و دشواری‌های بسیار

از سر راه برداشته شود . اکنون بخش مهمی از مدافعان پرو یا قرص نظم سرمایه‌داری آمریکازده و غرب‌زده افشا و منفرد و معزول شده‌اند . لکن به دلیل ویژگی خاص انقلاب ایران جریان‌های مدافع سرمایه‌داری که در لباس مذهب و دفاع از روحانیت بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری را حفظ می‌کردند و می‌کنند هنوز بسیار نیرومندند و تقریباً از جای تکان نخورده‌اند . آن دسته از مراجع که مخالف انقلاب بوده‌اند و هستند و همانگونه که حجت‌الاسلام ری شهری گفته است در توطئه کودتا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران نیز دست داشته‌اند ، و همچنین محافل و انجمن‌های به‌ظاهر دینی که هدفی جز منحرف کردن مسیر انقلاب در جهت حفظ نظم سرمایه‌داری ندارند ، همراه با تمام تفاله‌های آمریکا و تفاله‌های آنها در کارند که نگذارند انقلاب حق محرومان و مستضعفان را از فتوادل‌ها و سرمایه‌داران وابسته بستانند و بازپس دهد .

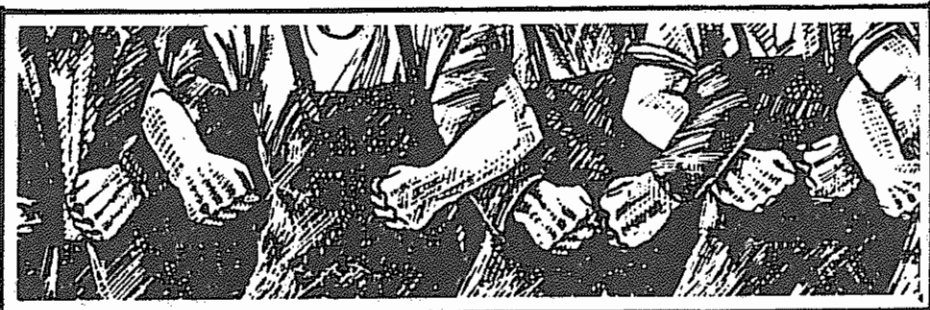
روحانیونی که در مشهد و قم و شیراز نشسته‌اند و یا ملاکین و سرمایه‌داران مربوطند و مال ایشان «مذکبی» می‌کنند انجمن ضدبهایت (حجتیه) که سابقه آن بطور مشخصی دال بر ماهیت آن است و دستجات مسلح‌شکوکی چون شیت و امثالهم از یک سو و سران عشایر و فتوادل‌های سراسر ایران به‌ویژه استان فارس و بلوچستان و تمام محافل ورشکسته لیبرالی و سلطنت‌طلب و بقایای گروه‌های آنارشیزت و آشوب‌طلب همه عملاً دست در دست نهاده‌اند که مانع از ثمردهی این مرحله از رشد انقلاب گردند . سئوالاتی که آیت‌الله جنتی از انجمن حجتیه و برخوردارهایی که از پی آن در مطبوعات درباره اهمیت یا بی‌اهمیت بودن مبارزه علیه این جریان راست‌گرای مذهبی درگرفت و انعکاس آن در سطح جامعه : جرقه کوچکی بود از آنچه که پیش می‌آید و اگر نخواهیم عقب برویم لزوماً پیش خواهد آمد اهمیت مسأله اصلاحات بنیادین اقتصادی و به قول حجت‌الاسلام رفسنجانی و آقای موسوی «مهار کردن تروریسم اقتصادی» و حد مقاومت عنودانه دشمنان سوگند خورده این سمت‌گیری خبر از حدت دشواری‌هایی می‌دهد که در راه پیشرفت انقلاب ما ایجاد کرده و می‌کنند .

دشمنان داخلی و خارجی تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران یک باز دیگر تمام طرف‌دها و توطئه‌های شناخته شده و ناشناخته خود را بکار خواهند گرفت که نگذارند انقلاب در همان جهتی پیش برود که

اگر نخواهد شکست بخورد صرفاً باید در همان جهت پیش برود . آنها از طریق تشدید فشارهای نظامی ، سیاسی و اقتصادی خارجی همراه با انواع و اقسام تشنج آفرینی‌ها و شورشگری در ایالات ، کارشکنی در تولید صنعتی و کشاورزی گسترش روحیه عدم اعتماد و بدبینی نسبت به آینده انقلاب در توده‌های مردم در جهت جدا کردن آنان از نیروهای صدیق انقلابی اعم از پیروان راستین خط امام خمینی و پیروان بوسیالیسم علمی که از خط امام پشتیبانی می‌کنند و همچنین تفرقه‌افکنی و به‌جان هم اندازی مدافعان انقلاب جهت تضعیف نیروهای انقلاب ، تمام نیروی اهریمنی خود را بکار خواهند انداخت . آنها به‌ویژه در این دوره برای مخدوش کردن و منحرف کردن فکر توده‌های دهها میلیونی زحمتکش شهر و روستا تمام هم خود را بکار خواهند بست تا در راه نزدیکی‌ها ، همکاری‌ها و وحدت عمل نیروهای مدافع انقلاب تا می‌توانند سنگ ببندازند . آنها یک بار دیگر حربه کهنه شناخته‌شده القاء ایدئولوژی را بکار می‌گیرند تا به مردم بقبولانند که گویا مدافعان راستین بوسیالیسم علمی که در حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گرد آمده‌اند ، به دروغ خود را سازمان‌های مذهبی می‌نمایانند که مردم را فریب دهند . آنها از یک سو این دروغ را دامن می‌زنند که گویا برای پشتیبانی از خط امام لزوماً باید در تمام عرصه‌های عقیدتی با جریان‌های مذهبی پیرو خط امام یکسان و مشابه بود . و از سوی دیگر به دنبال هر اقدامی که نیروهای راستین پیرو خط امام در جهت دفاع از محرومان به عمل می‌آورند به ردیلاتنه‌ترین شکل ممکن به آنان برجسب ارتداد و انحراف می‌زنند . آنها فقط اقداماتی را شرعی و اسلامی می‌شناسند که به سود سرمایه‌داران و فتوادل‌ها باشد .

می‌بینیم که " دشواری بر سر راه پیشرفت انقلاب شکوهمند میهن ما هنوز بسیار است ، ولی توان انقلاب برای چیره‌شدن بر این دشواری‌ها به مراتب زیادتر است

ویژگی برجسته لحظه کنونی انقلاب ما در این است که از یک سو با درهم شکسته شدن توطئه سازشکاران و تسلیم طلبان لیبرال و گمراهان چپ‌رو سد بزرگی از سر راه برای ژرفش انقلاب در دو سمت‌گیری اساسی‌اش یعنی سمت‌گیری ضد — امپریالیستی و سمت‌گیری مردمی برداشته شده است و از سوی دیگر مقاومت عنودانه و جانیگاران طیف نیروهای دشمن انقلاب برای جلوگیری از این گرایش شدت می‌یابد .



پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی — دمکراتیک خلق‌های ایران

در هفته گذشته ، کابینه آقای میرحسین موسوی با تغییراتی در ترکیب کابینه قلی به مجلس شورای اسلامی معرفی شد . از جمله این تغییرات ، انتصاب آقای احمد توکلی ، نماینده بهسر به جای آقای میرمحمدصادقی به وزارت کار و امور اجتماعی است .

دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق وزارت کار و امور اجتماعی در کار و زندگی میلیون ها کارگر و مزدبگیر زحمتکش مستقما تاثیر مستقیم دارد . مواضع و سیاست های این وزارتخانه بلاواسطه در زندگی کارگران و زحمتکشان منعکس می شود و با سرنوشت آنان و خانواده هایشان ارتباط پیدا می کند .

در تاریخ انقلاب ایران از پیکارهای خونین خیابانی با دستگاه های جبهه ساواک و ارتش آمریکایی شاه گرفته تا دفاع عادلانه در سنگرهای مقاومت علیه جنگ تجاوزکارانه آمریکایی - صدامی و ایستادگی دلاورانه در برابر تحریم و فشار اقتصادی ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، در تمامی سنگرهای کار و پیکار این نام کارگران و زحمتکشان است که در دفاع از انقلاب می درخشند .

انقلاب بر دوش میلیون ها کارگر و زحمتکش مزدبگیر استوار است . فداکاری ها و جانبازی های توده های دهها میلیون زحمتکشان شهر و روستا و بویژه قهرمانی های توده های میلیونی کارگر پشتوانه نیرومند انقلاب برای درهم شکستن توطئه های جبهه براندازی سرکردگی آمریکای جنایتکار است و به همین جهت نیز وزارت کار

کارگران

عدالت می خواهد

در حاشیه سخنان وزیر جدید کار کفایت :
" ما به کارگر یاج نمی دهیم ولی ظلم هم نمی کنیم "

یاج بگیر می نمایند . دولت جمهوری اسلامی ، دولت سرمایه داری نیست و وزارت کار آن نیز به طریق اولی نمی تواند و نباید وزارت کار فرما باشد . این دستاورد مبارزه محرومان جامعه است ، انقلاب همین است .

ما در این هیچگونه تردیدی نداریم که هم آقای رئیس جمهور و هم آقای نخست وزیر بخوبی می دانند و این اعتقاد را نیز بارها بیان کرده اند که کارگران " یاج خواه " نیستند ، بلکه حق طلب و عدالت جویند ، آن هم استوارترین رزمندگان راه حقیقت و پیکرترین راهیان این مقصد . و بارها اثبات کرده اند که هر آینه مصالح عالیله انقلاب اقتضا کند اینبارگرترین توده ها انقلابی خلقند . چه اگر جز این بود هم رئیس جمهور و هم نخست وزیر نمی گفت :

" همه گوشش خود را بگاز می برم تا دوره جدیدی که اکنون در جمهوری ایران آغاز می شود ، دوره خدمت به محرومان و مستضعفان باشد "

آقای توکلی در جلسه معارفه و در پایان سخنرانی شان ابراز امیدواری کرده اند که :

" حتما کارگران با توجه به مشکلات حرف حساب ما را قبول خواهند کرد . درست است آن است که کارگران " حرف حساب " را قبول می کنند بقول امام : انقلاب اینطور است ، وضع انقلاب اینطور است ، طوری است که مردم دیگر سر بسته تسلیم کسی نمی شوند ، مردم هر یک شان نظر دارند "

سخن امام خمینی به وزیران جمهوری اسلامی این است که :

" شما باید برای این پابرهنه ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و آنها را به حساب نمی آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه می داشتند و به اصطلاح گدخدایا می دیدند و ده را می چاییدند ، خدمت کنید "

حسن بیام وزیر جدید کار با این سخن امام فاصله سار دارد . سخن امام برای دهها میلیون کارگر و زحمتکش ایرانی و برای همه بی سروان صدیق خط صدامزبالیستی و مردمی امام خمینی به معنی این است که این کارگران بوده اند که همیشه باج می داده اند .

اظهار نظر آقای توکلی پیرامون چگونگی رابطه کارگران و وزارت کار و امور اجتماعی بطور " طبیعی " و " منطقی " می توانست بر زبان یک کارفرما جاری شود نه وزیر کار جمهوری اسلامی کارفرماست که کارگر را

اگر از کارگر حمایت نکنیم نیروی فعال را از دست خواهیم داد "

این گفته وزیر پیشین تراکم ۲/۵ سال تجربه مسئولین جمهوری اسلامی ایران از محیط کار و کارگری است . که آقای توکلی باید خود را ساینده آموختن آن نشان دهد . هر چند تا نخسین سخنرانی خود نتوانستند چشم انداز امیدوارکننده ای در این زمینه ارائه دهند .

وزیر کار جدید - آقای توکلی - در نخستین سخنرانی خود که در جلسه معارفه اش با کارمندان و کارگران وزارت کار و امور اجتماعی ایراد کرد رابطه میان وزارت کار و کارگران را اینگونه توصیف کردند :

" ما به کارگر باج نمی دهیم " ولی ظلم هم نمی کنیم " که کارگران این نحوه سخن گفتن را همیشه از کسای بخاطر دارند که با آنها در یک جبهه نیستند ، به این دلیل این اولین سخن وزیر کار جدید برای میلیون ها کارگر ایرانی بیشتر یک " سهو " می آید تا یک سخن جدی .

و امور اجتماعی از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است

قدر مسلم آن است که در این مرحله از روند تعمیق انقلاب پاسخگویی به خواسته های محرومان و زحمتکشان به ضرورتی عاجل و درنگ ناپذیر بدل شده است و در این میان تعهدات خطیری که دولت جمهوری اسلامی ایران و بویژه وزارت کار در قبال طبقه کارگران ایران دارد ، حائز توجه و تاکید است .

اکنون آقای احمد توکلی وزیر جدید کار و امور اجتماعی بار تعهدی گران را بر دوش دارد . تعهدی که نخستین شرط پای بندی به آن آنگاه وزارت کار و امور اجتماعی به نیروی میلیونی خود کارگران است بی دلیل نیست که آقای میرمحمدصادقی وزیر پیشین در جلسه تودیع بدرستی تاکید می کند که :

" کارگران در مدت خدمت آنچه در توان داشتند مرا یاری کردند ، چون وجود وزیر و وزارت کار به منظور حمایت از نیروی کار است . طبیعی است

بقیه از صفحه ۲

باد داشتی بر...

آمریکا در کنار افشاکاری های دانشجویان پیرو خط امام به خاطر دارند نقش بزرگ آنها را در آگاه تر ساختن توده ها ارج می نهند . در مراسم بزرگداشت سالروز تسخیر انقلابی مرکز جاسوسی آمریکا ، در محل سفارتخانه سابق آمریکا ، حجت الاسلام خوئینی ها که نقش ترقی خواهانه و انقلابی بزرگی در پیروزی اقدام

انقلابی دانشجویان برعهده داشت سخنانی ایراد کرد نیروهای ترقیخواه و انقلابی کشور از جمله فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتظار داشتند که آقای خوئینی ها به همان میزان که در ترسیم خط مرز بین " اسلام آمریکایی " و " اسلام مردمی " امام خمینی مسئولانه و با دقت سخن گفتند بنحو روشن تری

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ، همه نیروهای مومن به انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران را صرف نظر از هر مسلک و مرامی که بدان معتقدند به وحدت فراخوانیم ، بگذار یک بار دیگر این پیام فضای سیاسی مبهن را سرشار کند :
" همه قلم ها و مسلسل ها را به سوی آمریکا نشانه رویم "

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشتاب مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

ترکمن صحرا

به مشکلات پنبه کاران منطقه رسیدگی کنید



در این روزها که فصل برداشت محصول پنبه آغاز شده است . پنبه زارهای ترکمن صحرا مورد تهدید کرم غوزه خوار پنبه قرار گرفته اند متأسفانه ارگان های مسئول منطقه نیز تاکنون اقدامات کافی جهت مقابله قاطع با این آفت به عمل نیاورده اند لذا بار پنبه بطور مداوم در حال ریزش است و اگر این وضع ادامه یابد بنظر می رسد که میزان تولید پنبه نسبت به سالهای قبل کاهش چشمگیری پیدا کند . علاوه براین پنبه کاران منطقه از نرخ تعیین شده برای پنبه توسط دولت (هر یوپ ۱۲۰۰ ریال) ناراضی بوده و اظهار می دارند که ما جهت شخم ، کود ، سم ، تعمیر موتور آب و سمپاش ، گازوئیل ، روغن و غیره مخارج و زحمات زیادی متحمل شده ایم و اگر چنانچه قیمت پنبه با توجه به گرانی و تورم موجود در همین حد ثابت بماند ، فشارهای زیادی بر ما وارد خواهد شد . لازم است مسئولین منطقه هرچه سریع تر به این مشکلات پنبه کاران رسیدگی کرده و در جهت رفع آن بکوشند .

گزارش فعالیت شوراها در مورد هفته جنگ که شورای روستای بدراق ملا به دلیل برخورد فعال ترش مورد تشویق قرار گرفت .
- نظرخواهی شورای کشت از شوراهای منطقه در مورد نرخ کرایه تراکتور برای شخم زمین ها که شرکت کنندگان در جلسه نظر دادند که مناسب است شخم زمین با گاواهن برای هر هکتار ۱۰۰۰ ریال و با دیسک هر هکتار ۵۰۰ ریال منظور گردد .
- تاکید بر فعالیت تبلیغی در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری .

- کمبود سهمیه نفت که شوراها خواستار افزایش سهمیه نفت از طرف جهاد سازندگی و شرکت نفت بودند
- تهیه سوخت ماشین آلات کشاورزی جهت شخم زمین ها .
- تاکید بر برگزاری مرتب

تشکیل جلسه اتحادیه :
اجلاس اتحادیه بدراق -

به مشکلات زحمتکشان روستای کندوله رسیدگی کنید

نابسامانی های آنها را کاهش دهد ، نیتند عده ای از عناصر مرفه و خان زاده ها با نوع متشکل شدن مردم مخالفت می کنند و جلوی تشکیل شورا و تعاونی را مگر آنکه همه امور در دست خودشان باشد ، می گیرند . این مساله باعث شده که مردم از حل کوچکترین مشکل خود باز بمانند و برای تامین مایحتاج اولیه زندگی خود مثل چیره روغن و قند و شکر و غیره تا بیستون بروند که حداقل ۲۰۰ ریال کرایه ماشین و یک روز وقت آنها را می گیرد .

زحمتکشان روستای کندوله با ایمان و اعتقاد به انقلاب و رهبری امام در انتظار آنند که دولت جمهوری اسلامی و بویژه ارگان های انقلابی منطقه نظیر جهاد سازندگی و هیات ۷ نفری واگذاری زمین هرچه سریع تر به این مشکلات آنها رسیدگی کرده و در کاهش نابسامانی هایشان بکوشند .

است که زبان مردم را نمی داند و بیشتر مریضها را با یک مسکن مرخص می کند تنها گرمابه روستا که البته شاهی به گرمابه ندارد ، کمتر از دوماه در سال باز است . در مورد برق هم با آنکه در زمان رژیم گذشته با تامین نصف بودجه احداث یک کارخانه برق از مردم ، ساختمان آن را شروع کردند ، اما آن هم نیمه کاره رها شده و اکنون روستا فاقد برق است در مورد آب آشامیدنی هم وضع عینا به همین منوال است از مردم پول گرفتند تا برای آنها آب لوله کشی بیاورند و به ساختن یک منبع و رها کردن آن بسنده کردند نتیجتا اهالی روستا مجبورند آب آشامیدنی خود را از چشمه ای که در ارتفاعات نسبتا دوری قرار دارد ، بیاورند و این امر بویژه در زمستان مشکلات زیادی برای آنها ایجاد می کند اما یکی از مهمترین اشکالات این روستا این است که مردم آن دارای هیچ تشکلی که بتواند اندکی

روستای کندوله در ۲۵ کیلومتری شهرستان کرمانشاه قرار داشته و حدود ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد . این روستا دارای زمین های حاصلخیز و چشمه های آب فراوانی است که با یک برنامه ریزی اصولی و توسعه باغداری در آن می تواند بخشی از میوه های مورد نیاز منطقه را تامین نماید .

کندوله نیز مانند اکثر روستاهای کشور دارای مشکلات فراوانی است که در زیر به شماری از آنها اشاره می کنیم :
این روستا دارای درمانگاه کوچکی است که در زمان طاغوت با هزینه مردم روستا ساخته شده است . این درمانگاه علاوه بر آنکه به هیچ روی تکافوی اهالی را نمی دهد ، و هر روز صف های طولی در مقابل آن تشکیل می شود ، دارای اوضاع نابسامانی نیز هست دارو به اندازه کافی نیست ، اکثرا کسی در درمانگاه نیست تنها دکتر آن هم پاکستانی

همه پیهان روستائی!

برای تنظیم شناسنامه روستائی با ارگانهای انقلابی همکاری کنید

با تأمین سوخت مورد نیاز برای فصل کشت خواست میلیونها دهقان زحمتکش را تحقق بخشید

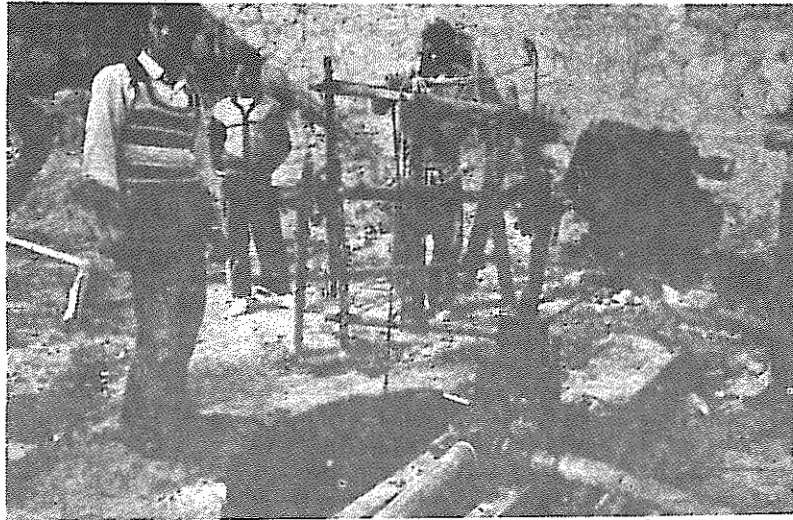
" امان گلدی مرادی (ملائک) و آخوندطلایی گولکلائی (عضو شورای مرکزی محلات) اشتباهها در بین عوام مسل جریان ضدانقلابی " شمس " آورده شده بود که بدین وسیله ضمن پوزش اصلاح می گردد .

تصحیح و پوزش :
در شماره ۱۲۵ در مقاله " توطئه عمال کنفراس آمریکایی طائف در ترکمن صحرا " اسامی

جلسات اتحادیه بنا بر ضرورت نزدیکی آغاز فصل کشت .
این جلسه که حدود ۳ ساعت طول کشید با تعیین روستای بدراق ملا به عنوان محل تشکیل جلسه بعدی پایان یافت .

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

گزارشی از : روستاهای استان اصفهان



فعال‌ترین و مورد قبول‌ترین نهاد در میان دهقانان منطقه پذیرفته شده بودید . اما توقف اجرای سد " ج و د " این ارگان را سبب در معرض بوری خوایس و فئودالها و مرتجعین قرار داد و اکنون عمده فعالیت هیات در جهت حفظ و حراست از دستاوردهای موجود مبارزات دهقانان و تبلیغ و آگاه نمودن دهقانان به ضرورت‌های کشت جمعی و تعاونی قرار دارد . در رابطه با فعالیت‌های اداره کشاورزی و تعاون می‌توان به توزیع کود و بدر و خرید مازاد محصولات کشاورزان اشاره نمود . توزیع کود در روستاهایی که تعاونی دارند توسط تعاونی‌ها و در مناطقی که تعاونی وجود ندارد ، از طریق معرفی یک نفر از هر روستا که بر اساس جـمعی مشروب‌کننده زمین دهقانان شکل گرفته است . احجام می‌پذیرد . در توزیع کود و بدر، دهقانی که مازاد محصولات خود را به دولت فروخته‌اند ، در اولویت قرار گرفتند که این می‌تواند استکار مثبتی در جهت تشویق دهقانان به فروش مازاد محصولات خود به دولت باشد . از اقدامات اداره کشاورزی در جهت افزایش سطح زمین‌های زیر کشت (جدا از طرح‌های اداره گسترش) طرح احیای ۱۵ هزار هکتار از اراضی دشت شمال شرقی گلپایگان است که با بودجه هنگفتی به مورد اجراء گذاشته شده است اما این طرح آنگونه که پیش‌بینی شده بود ، طبق برنامه پیش نمی‌رود و بیم آن می‌رود که اداره کشاورزی تا پایان امسال قادر به جذب تمامی بودجه تعیین‌شده از طرف دولت نباشد علت‌های بروز این اشکالات را می‌توان در مواردی نظیر ، نداشتن متخصصین کارآمد ، دلسوزی ، با تجربه ، عدم همکاری صمیمانه همه کارکنان و اختلاس‌های شرکت‌های مقاطعه‌کاری ، نبود و کمبود امکانات فنی و بی‌برنامگی خود اداره کشاورزی (علیرغم تلاش‌های حدی مسئول اداره کشاورزی) برشمرد .

مناطق استان اصفهان ایجاد جاه‌های عمیق جهت تامین آب زراعی با توجه به مشکلات آن ، اشکالاتی که حین احداث پیش می‌آید و فقدان متخصصین با مشکلات زیادی روبروست ، چنانکه کم نیستند جاه‌هایی که حین حفر آن به سنگ می‌خورند و مقدار زیادی انرژی و هزینه اتلاف می‌گردد . علاوه بر مساله آب ، از دیگر مطالبات دهقانان منطقه می‌توان به تامین سوخت و قطعات یدکی ماشین‌آلات ، تامین وام مورد نیاز ، کود کافی و بدر مرغوب بیمه محصولات کشاورزی و تضمین خرید محصولات با قیمت‌های عادلانه و همچنین استفاده از آب تصفیه‌شده ، برق ، حمام بهداشتی ، حاده ، درمانگاه و ایجاد تعاونی‌های توزیع مایحتاج عمومی اشاره نمود .

نگاهی به عملکردهای ارگان‌های انقلابی و دولتی در منطقه :

بطور کلی تا قبل از توقف اجرای بندهای " ج و د " قانون اصلاحات ارضی ، هیات‌های هفت نفری واگذاری زمین به عنوان

منطقه مصادره و در اختیار دهقانان کم زمین و بی زمین ، دیپلمه‌های بیکار و بنیاد مسکن قرار گرفته است اما بعد از توقف اجرای بند " ج " مالک برای پس گرفتن زمین‌هایش به تکاپو افتاده و حکمی هم از دادگاه انقلاب اسلامی گلپایگان دریافت می‌دارد که تاکنون به دلیل مقاومت‌های هفت نفره جهاد و سپاه پاسداران راه به جایی نبرده است یا در روستای " حسینه " دهقانان در اواغز تابستان جاری نامه‌ای به هیات هفت نفره و اداره کشاورزی استان نوشته و خواستار شدند تا جلسوی کارشناسی‌های مالک قبلی زمین‌ها گرفته شود و هیات خود اداره و واگذاری زمین‌های مزبور به دهقانان را در دست گیرد . در حال حاضر لایحه توقف اجرای بندهای " ج و د " قانون اصلاحات ارضی توسط دولت جمهوری اسلامی به عنوان یک مساله گره‌ای و محوری و همچنین انجام یک برنامه‌ریزی اصولی جهت حل اصولی بعضی از اختلافات خرده‌مالکان منطقه که در اثر نفوذ فرهنگ سنتی عشیره‌ای و تحریکات خوانین بوجود آمده توسط هیات‌های هفت نفره از اقدامات اساسی و مهمی است که می‌تواند بخش اعظم مشکلات دهقانان

منطقه مصادره و در اختیار دهقانان کم زمین و بی زمین ، دیپلمه‌های بیکار و بنیاد مسکن قرار گرفته است اما بعد از توقف اجرای بند " ج " مالک برای پس گرفتن زمین‌هایش به تکاپو افتاده و حکمی هم از دادگاه انقلاب اسلامی گلپایگان دریافت می‌دارد که تاکنون به دلیل مقاومت‌های هفت نفره جهاد و سپاه پاسداران راه به جایی نبرده است یا در روستای " حسینه " دهقانان در اواغز تابستان جاری نامه‌ای به هیات هفت نفره و اداره کشاورزی استان نوشته و خواستار شدند تا جلسوی کارشناسی‌های مالک قبلی زمین‌ها گرفته شود و هیات خود اداره و واگذاری زمین‌های مزبور به دهقانان را در دست گیرد . در حال حاضر لایحه توقف اجرای بندهای " ج و د " قانون اصلاحات ارضی توسط دولت جمهوری اسلامی به عنوان یک مساله گره‌ای و محوری و همچنین انجام یک برنامه‌ریزی اصولی جهت حل اصولی بعضی از اختلافات خرده‌مالکان منطقه که در اثر نفوذ فرهنگ سنتی عشیره‌ای و تحریکات خوانین بوجود آمده توسط هیات‌های هفت نفره از اقدامات اساسی و مهمی است که می‌تواند بخش اعظم مشکلات دهقانان

در روستاهای استان اصفهان پس از پیروزی انقلاب و اثرات مطلوب آن بر روحیه دهقانان زحمتکش منطقه ما شاهد حرکت‌های مبارزاتی آنان علیه خوانین و فئودالها بوده‌ایم هرچند که در این راه دهقانان عملاً با کارشناسی‌های دولت موقت لیبرالها مواجه شده و این دولت ناصرخان قشقایی را ظاهراً به عنوان نماینده امام مأمور رسیدگی به مسائل منطقه و در حقیقت دفاع از منافع خوانین نمود اما با وجود همه این ترندها و دسائس ، دهقانان مبارز و رنج‌دیده موفق شدند خوانین و فئودالها و حامیان لیبرال آنها را تا حدودی عقب رانده و به دستاوردهایی از قبیل :

مصادره مراتع تحت مالکیت خوانین ، مصادره زمین‌های دیمی فئودالها ، مصادره انقلابی زمین‌هایی که به صورت " غارسی مالک " کشت می‌شده است برسند (توضیح اینکه غارسی مالک زمین‌های نیمه‌آبادی است که در دست دهقانان بوده و درآمد آن بعد از محاسبه مخارج با مالک نصف می‌شده است) . این مبارزات در بعضی از مقاطع در اثر عملکرد خوانین به خشونت هم کشیده شده بود با سقوط دولت موقت ، تصویب قانون اصلاحات ارضی و شروع کار هیات‌های هفت نفری واگذاری زمین ، امید برای قانونی شدن و حمایت از این دستاوردها موج شور و اشتیاق چشمگیری در میان زحمتکشان روستاها بوجود آورد اما توقف اجرای بندهای " ج و د " قانون اصلاحات ارضی بار دیگر موجب تهاجم مذبح‌وحانه فئودالها و تحت فشار قرار گرفتن دهقانان گردیده و این مساله باعث تشدید نفرت دهقانان از خوانین شده است . هم‌اکنون فعالیت‌های تبلیغی وسیع ضد انقلابی توأم با آزار و اذیت زحمتکشان روستاها و اعضای ارگان‌های انقلابی از جانب خوانین و فئودالها از یک طرف و تمایس شدید دهقانان به مشروعیت بخشیدن به دستاوردهای مبارزاتشان از طرف دیگر جو عمومی روستاهای منطقه را تشکیل می‌دهد . به عنوان نمونه در اطراف شهرستان گلپایگان حدود ۲۰۰ هکتار زمین از یکی از مالکین



بمناسبت اوجگیری جنبش دموکراتیک صلح

در کشورهای اروپایی

صلح جهانی و اهمیت مبارزه در راه حفظ و تحکیم آن

آزادبخش کشورهای تحت سلطه به نیروی عظیمی تبدیل شدند که ضمن پیشبرد امر انقلاب جهانی پاسداری از صلح و جلوگیری از خطر جنگ را نیز پیگیرانه ادامه دادند.

اکنون وسائل کشتار و انهدام دسته‌جمعی و سلاح‌های ویرانگر اتمی و جنسان درجه‌ای از تکامل رسیده است که کاربرد آنها می‌تواند به انهدام تمدن بشری و نابود شدن تمامی مراکز صنعتی و فرهنگی جهان بیانجامد و صدها میلیون انسان که شاید مستقیماً هم درگیر این جنگ نشاند قزاقی چنین فاجعه‌ای خواهند شد. بنابراین مسئله صلح جهانی و مبارزه به خاطر آن به عمده‌ترین وظیفه همه نیروهای مترقی جهان تبدیل شده است. اقدامات هماهنگ و مداوم تمامی نیروهای صلح‌طلب می‌تواند مانع آغاز جنگ جهانی گردد و جنگ‌افروزی‌های امپریالیسم جهانی را مهار نماید.

چرا جنگ جهانی دیگر اجتناب‌ناپذیر نیست؟

قبل از هر چیز لازم به تاکید است که در فرهنگ مارکسیسم - لنینیسم دو نوع جنگ وجود دارد: جنگ‌های ناعادلانه و جنگ‌های عادلانه. جنگ‌های ناعادلانه در حقیقت همان ادامه سیاست طبقات استعمارگر برای تحکیم خویش و غارت بیکران توده‌های خلق است. سرچشمه بروز چنین جنگ‌هایی در دوران ما امپریالیسم جهانی و نظام سرمایه‌داری آن است. کمونیست‌ها و نیروهای مترقی

فقط با چنین جنگ‌هایی مخالفت می‌کنند و برعکس از جنگ‌های عادلانه که هدف آنها رهایی خلق‌ها از ستم ملی و طبقاتی می‌باشد کاملاً پشتیبانی می‌مایند. همچنین جنگ‌های تدافعی که قربانیان تجاوزات امپریالیستی به آن دست می‌زنند از نوع جنگ‌های عادلانه و صلح‌خواهانه بوده و مورد تایید همه‌جانبه همه‌نیروهای صلح‌دوست می‌باشد در حقیقت دفاع از صلح جهانی مستلزم حمایت از جنگ‌های عادلانه خلق‌ها خواهد بود. چنانکه گفتیم در پایان جنگ دوم جهانی وضعیت جهان شکلی کاملاً جدید به خود گرفت. تلاش‌های امپریالیست‌ها برای مسدود کردن سیر تکامل تاریخی خلق‌ها به شکست انجامید و انقلاب‌های سوسیالیستی و دموکراتیک توده‌ای در کشورهای اروپایی و آسیایی به پیروزی رسید. سوسیالیسم به نظامی جهانی تبدیل شد و در هم شکسته شد و وضعیت جهانی بنحوی فاجعه‌سود خلق‌هایی که برای استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی پیکار می‌کردند تغییر یافت و نظام جهانی سوسیالیستی به نیروی تعیین‌کننده تکامل تاریخی تبدیل شد. سوسیالیسم به پیشرفت‌های بی‌سابقه‌ای در زمینه‌های تولید علم و تکنولوژی و استقرار مناسبات اجتماعی عاری از استثمار که در آن نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها بنحو فزاینده‌ای برآورده می‌شود. ناظران تحکیم و تکامل نظام سوسیالیستی تأثیرات فزاینده‌ای بر مبارزات زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری برجای گذاشت این تغییرات عظیم که به سود نیروهای انقلاب جهانی رخ داد باعث تضعیف اردوی امپریالیستی شدند. امپریالیست‌ها از آن پس دیگر نقش تعیین‌کنندگی در مسائل بین‌المللی را از دست دادند. از سوی دیگر کشورهای امپریالیستی به نیروی ویرانگر اتم دست یافتند که یک نمونه ابتدایی آن را در روزهای پایانی جنگ بر روی هیروشیما افکنده و صدها هزار نفر را در دم به خاکستر تبدیل ساختند. اردوگاه سوسیالیستی جهان نیز به منظور دفاع در مقابل تجاوز امپریالیست‌ها متنی

بعد به چنین سلاحی مجهز شد. از آن پس بشریت شاهد افزایش تولید سلاح‌های هسته‌ای از سوی امپریالیست‌ها بوده و اردوگاه سوسیالیستی نیز برای حفظ تعادل قوا و تقویت بنیه دفاعی خویش ناچار به افزایش چنین سلاح‌هایی شده است. در چنین شرایطی اگر جنگ جدیدی بین دو قدرت سوسیالیسم و سرمایه‌داری جهانی درگیرد چنان ابعاد عظیمی خواهد یافت که به فاجعه‌ای عظیم برای کل بشریت منجر می‌شود. در عین حال امپریالیسم بنا به ماهیت خود جنگ‌افروز است و در این ماهیت تغییری حاصل نشده است اما برتری روزافزون نیروهای اردوگاه سوسیالیستی بر اردوی امپریالیست‌ها، و اوج‌گیری نیروی طبقه کارگر و جنبش‌های دموکراتیک در کشورهای سرمایه‌داری، و بالاخره مبارزات آزادیبخش ملی کشورهای مختلف جهان وضعیتی را بوجود آورده که امکان جلوگیری از جنگ جهانی و حل و فصل مسائل بین‌المللی از طریق صلح‌آمیز مطرح ساخته است. در چنین وضعیتی جنگ دیگر اجتناب‌ناپذیر نخواهد بود. اما این بدان معنا نیست که امپریالیسم دست از جنگ‌افروزی کشیده باشد، بلکه بدان معناست که می‌توان از وقوع جنگ جلوگیری کرد و همه نیروهای صلح‌دوست جهان باید در این زمینه تلاش نمایند. همزیستی مسالمت‌آمیز بین کشورهای با نظام اجتماعی متباین که یکی از اصول عمده سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد از همین‌جا ناشی می‌شود. همزیستی مسالمت‌آمیز به معنای آن است که در شرایط کنونی جهان، نه جنگ با سایر کشورها بلکه استقرار یک نظام اقتصادی اجتماعی عادلانه و نمونه است که می‌تواند به پیشرفت هرچه بیشتر جوامع بشری یاری رساند. مبارزه بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری در چنین شرایطی عرصه اصلی خود را در رقابت اقتصادی پیدا می‌کند. سوسیالیسم در سایه برتری‌های ذاتی خود می‌تواند در این عرصه بر سرمایه‌داری پیروز شود. همزیستی مسالمت‌آمیز برخلاف ادعای دکماتست‌ها به هیچ‌وجه به معنای سازش با

سرمایه‌داری و رهاکردن جنبش‌های آزادیبخش نیست بلکه نوعی از مبارزه طبقاتی است که از طریق صلح‌آمیز صورت می‌پذیرد. رشد روزافزون قدرت اردوگاه سوسیالیستی و تضعیف نقش و جایگاه امپریالیسم جهانی در اقتصاد و سیاست کیتی سبب شده است که امپریالیست‌ها برخلاف تمایل خویش به همزیستی مسالمت‌آمیز تن در دهند. و این واقعیت نیز امکان جلوگیری از جنگ را افزایش داده و شرایط مساعدی برای نیروهای صلح‌دوست جهان مطرح ساخته است.

چرا مسأله صلح جهانی اساسی دارد؟

چنانکه گفته شد خطرات یک جنگ هسته‌ای چنان عظیم است که می‌تواند به فاجعه دهشتناکی برای کل بشریت بیانجامد. احزاب مارکسیست - لنینیست مبارزه پیگیرانه در دفاع از صلح را از یک‌سو به خاطر جلوگیری از انهدام بخش عظیمی از بشریت انجام می‌دهند و از سوی دیگر بدان دلیل که مهم‌ترین شرط ساختمان پیروزمندان سوسیالیسم و کمونیسم وجود صلح پایدار می‌باشد. ماژوئیست‌ها و سایر خویشتاوندانان همواره کوشیده‌اند که مبارزه به خاطر صلح و جلوگیری از جنگ جهانی را به معنای مخالفت با انقلاب و مبارزات آزادیبخش قلمداد نمایند. بوج بودن این ادعاها دیگر نیازی به اثبات ندارد چرا که نقش اردوگاه سوسیالیستی و همه نیروهای صلح‌دوست جهان در پیروزی انقلاب‌ها و مبارزات آزادیبخش خلق‌های جهان بر کمتر کسی پوشیده مانده است.

عواقب یک جنگ اتمی چیزی نیست که انسان بتواند بسادگی از آن درگذرد. بر اساس بررسی‌های یکی از دانشمندان مترقی آمریکا به نام "لایف‌پروپولیتیک" چند روز پس از آغاز جنگ هسته‌ای در آمریکا، تعداد ۱۲۵ الی ۱۹۰ میلیون آمریکایی به هلاکت خواهند رسید و پانزده میلیون نفر جراحات سنگینی خواهند داشت و تنها ۵ میلیون نفر ممکن است جان سالم بدر برند که آنها هم در معرض بقیه در صفحه ۱۱

خطر تشعشات رادیواکتیو قرار خواهند داشت. چنین امری در نواحی دیگر کره زمین هم مصداق دارد علاوه بر این عواقب تدریجی یک جنگ هسته‌ای از هم پاشیدن جامعه و ویرانی مهمترین مراکز صنعتی و وسائل حمل و نقل و ارتباطات و افزایش سوم رادیواکتیو را به همراه دارد. اینگونه تحقیقات و بررسی‌های دانشمندان دیگر در این زمینه‌ها به حد کافی تأثیرات فاجعه‌آمیز یک جنگ هسته‌ای را به اثبات رسانیده است.

سوسیالیسم خواهان برقراری روابط عادلانه و فارغ از استثمار در جامعه انسانی و پیشرفت‌های همه‌جانبه انسانیت است. بنابراین بدیهی است که اگر در اثر جنگ اتمی موجودیت بشریت به خطر بیفتد همه دستاوردهای اقتصادی، فرهنگی، علمی و تکنولوژیک انسان‌ها نیز دستخوش انهدام خواهد شد و از آنجا که در حال حاضر ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم در کشورهای اردوگاه سوسیالیستی جریان دارد و نیز از آنجا که سیر حرکت جوامع بشری نشان داده‌است که آینده از آن سوسیالیسم خواهد بود دفاع از صلح جهانی سرلوحه برنامه‌های همه کشورهای سوسیالیستی و نیروهای پیشرفته جهان قرار گرفته است.

در همین‌جا لازم است تأکید شود که طرفداری از صلح به معنای واقعی با مفهوم پاسیفیستی آن که یک گرایش لیبرالی بورژوازی صلح‌طلبانه است اساساً مغایرت دارد پاسیفیست‌ها هرگونه جنگ اعم از عادلانه یا ناعادلانه را مذموم می‌شمارند و بیهوده خواهند برقراری صلح از طریق موعظه و تبلیغ می‌باشند. آنها علت اصلی جنگ که همانا امپریالیسم جهانی و نظام سرمایه‌داری است را تشخیص نمی‌دهند ولذا تفاسوتی بین جنگ‌های آزادبخش و جنگ‌های تجاوزکارانه قائل نیستند.

هم‌اکنون جهانیان شاهد مبارزه بین دو جریان سیاسی در عرصه بین‌المللی هستند در یک سو جریان عظیم نیروهای صلح قرار دارد که برای جلوگیری از یک جنگ هسته‌ای و کاهش تشنج‌های بین‌المللی مبارزه می‌کند و در سوی دیگر جریان پانگروای عرصه‌است که خود

را برای جنگ مهیا می‌سازد به سابقه تسلیحاتی دامن می‌زند و در امور داخلی خلق‌هایی که برای استقلال و رهایی پیکار می‌کند مداخله می‌نماید.

دستاوردهای تاریخی جنبش‌های صلح که به خاطر جلوگیری از بروز جنگ هسته‌ای و دفاع از کاهش تشنج در اروپا پیکار می‌کنند، به همراه نتایج کنفرانس‌های بین‌المللی نظیر کنفرانس هلسنکی، در کاهش تشنج‌های جهانی نقش برجسته‌ای داشته است. مبارزه به خاطر صلح اکنون به یکی از مهمترین اشکال مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم جهانی و جنگ‌افروزی‌های آن تبدیل شده است. تجربه نشان داده است که در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری مبارزه طبقه کارگر برای احقاق حقوق دموکراتیک و اجتماعی خود با مبارزه به خاطر صلح و بر ضد نیروهای میلیتاریست می‌زبان چشمگیری توأم گردیده‌است. بدیهی است که مبارزه به خاطر صلح یک جنبش دموکراتیک عمومی است و وظایف تغییر و تحول سوسیالیستی جامعه را در مقابل خود قرار نداده‌است، ولی از آنجا که این مبارزه علیه سرچشمه اصلی خطر جنگ یعنی امپریالیسم جهانی انجام می‌شود، توده‌های وسیع مردم را به درک صحیح منافع اساسی خویش آشنا می‌سازد و از این جهت این جنبش در خدمت سوسیالیسم قرار می‌گیرد.

ضرورت تشنج‌زدایی و اهمیت آن در عرصه جهانی

سیر وقایع گیتی در سالهای پس از جنگ دوم جهانی بخوبی نشان داده است که اتخاذ یک سیاست خارجی بر پایه بکارگیری کلیه امکانات در خدمت اهداف صلح‌آمیز و رشد و تعالی بشریت تا چه اندازه با منافع ملت‌ها سازگار بوده است. چنین سیاستی سیاست تشنج‌زدایی نامیده می‌شود که از سوی کشورهای اردوگاه سوسیالیستی مداوماً پیگیری شده است. امروزه تقریباً بر همه کس آشکار شده است که علیرغم تضادها و پیچیدگی‌هایی که در عرصه سیاست جهانی وجود دارد کاهش تدریجی تشنج‌های بین‌المللی تنها راه ممکن برای پیشرفت بشریت بوده‌است برنامه صلح که توسط کنگره ۲۴

کمونیست اتحاد شوروی به تصویب رسید برآغاز این حرکت برجسته تاریخی بود و پیشرفت‌های جهان در سالهای اخیر موبد اهمیت این برنامه می‌باشد. پس از کنفرانس هلسنکی که به تقویت تشنج‌زدایی منجر شد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی مداوماً بر ضرورت کاهش تولیدات سلاح‌های هسته‌ای تأکید داشته و آن را برای کاهش خطر بروز جنگ هسته‌ای ضروری دانسته‌اند. کنگره ۲۵ حزب کمونیست شوروی در سال ۱۹۷۶ همه کشورهای را به انعقاد یک پیمان جهانی در مورد عدم استفاده از زور در روابط بین‌المللی دعوت کرد و این پیشنهاد به سازمان ملل متحد ارائه شد و مورد استقبال همه نیروهای صلح‌طلب جهان قرار گرفت اما امپریالیست‌ها هیچگونه پاسخ مثبتی به این پیشنهاد ندادند. سیاست تشنج‌زدایی شرایط مساعدی را برای همکاری‌های گسترده کشورهای با نظام‌های اجتماعی متفاوت ایجاد کرده است و این امر خود معیارهای جدیدی در روابط بین‌المللی برای همکاری در جهت صلح و امنیت و رفاه بشر بطور کلی پدید آورده است. سیاست تشنج‌زدایی با پیشرفت و ترقی اجتماعی رابط‌های متقابل دارد چرا که در صورت کاهش تشنج‌های بین‌المللی امکان به مصرف رساندن بخش‌هایی از هزینه‌های نظامی برای مسائل اجتماعی و رفاهی و درمانی وجود دارد.

تلاش‌های اتحاد شوروی در دفاع از سیاست تشنج‌زدایی و تحکیم صلح جهانی تأثیرات عمیقی در وضعیت بین‌المللی برای گذاشته است ایده‌های تشنج‌زدایی و مناسبات حسن همجواری دارای چنان اعتبار و قدرتی شده است که حتی بسیاری از محافل حاکمه امپریالیست‌ها نیز ناچار به پذیرش آنها شده‌اند. تنها ارتجاعی‌ترین بخش‌های حاکمه امپریالیست‌ها هنوز به مخالفت سرسختانه با سیاست تشنج‌زدایی ادامه می‌دهند و در این میان رهبران خائن چین نیز هم صدا با امپریالیست‌ها به مخالفت با تشنج‌زدایی می‌پردازند این گرایش‌های ضد تشنج‌زدایی در صورتی که مهار نشوند، برای صلح

جهانی بسیار خطرناک خواهند بود. در ایالات متحده آمریکا با روی کار آمدن ریگان به عنوان نماینده ارتجاعی‌ترین اجزای انحصارات امپریالیستی نشانه‌های تشدید و غلبه همه‌جانبه گرایش‌های جنگ‌افروزانه در سیاست این کشور پدیدار شد. الکساندر هیک فرمانده سابق نیروهای نظامی ناتو و وزیر خارجه فعلی آمریکا آشکارا از تشدید تشنج‌های در عرصه بین‌المللی پشتیبانی کرده و تجاوزات و جنایات آمریکا را در سالهای گذشته "ناکافی" و "ملازم" دانسته است. به‌رحال در عرصه سیاست جهانی نشانه‌هایی از غلبه سیاست‌های جنگ‌افروزانه به چشم می‌خورد اما هنوز هم طرفداران تشنج‌زدایی از قدرت بسیار برتری برخوردارند و به همین دلیل مهار کردن محافل افراطی جنگ‌افروز امپریالیست ضرورت حیاتی دارد.

یک جنبه دیگر از تلاش‌هایی که در جهت کاهش تشنج و حفظ صلح توسط کشورهای اردوگاه سوسیالیستی به عمل می‌آید مسأله حفاظت محیط زیست و جلوگیری از بهره‌برداری‌های غیرمنطقی از طبیعت می‌باشد. در سالهای اخیر مبارزهای شدید علیه ویران‌سازی محیط زیست برآه افتاده است که با سیاست حفظ صلح و تشنج‌زدایی پیوندی مستقیم دارد اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۵ پیشنهادی به سازمان ملل ارائه داد که بر اساس آن قطعنامه‌ای در مورد "مسئولیت تاریخی دولت‌های جهان برای حفظ طبیعت به خاطر نسل آینده" صادر شد. در این قطعنامه پیوند مستقیم بین تشنج‌زدایی و حفظ محیط زیست، و پایان دادن مسابقه تسلیحاتی نشان داده شده و تأکید شده است که حفظ طبیعت و برطرف شدن خطر جنگ از شرایط اصلی وجود و پیشرفت بشریت در آینده خواهد بود.

تشنج‌زدایی جهان کدامند؟

امپریالیست‌ها و متحدان چینی آنها که علیرغم همه واقعیت‌های جهان معاصر تلاش دارند به مسابقه تسلیحاتی دامن‌زده و بر

تشنج‌های بین‌المللی فزونی بخشد، تشنج‌زدایی دوران ما را تشکیل می‌دهند. اینان به سرنوشته میلیون‌ها و میلیارد‌ها انسان بی‌اعتنایی می‌نمایند و با اقدامات گستاخانه خود خطر بروز جنگ جهانی را افزایش می‌دهند.

امپریالیست‌ها در سیاست تشنج‌زدایی خود تا بدانجا پیش رفته‌اند که به میلیتاریزه کردن هزینه بیشتر کشورهای خود پرداخته و فعلاً در صدور میلیتاریسم به کشورهای جهان سوم هستند. امپریالیسم بنا بر ماهیت خود تلاش دارد تا سراسر حوزه‌های زندگی اجتماعی را میلیتاریزه نماید و تولید انواع سلاح‌ها را هرچه بیشتر گسترش دهد. این سلاح‌های تولیدشده نیاز به بازار فروش دارند و امپریالیسم می‌کوشد با راه‌انداختن جنگ‌های موضعی بین کشورهای مختلف و با دامن‌زدن و بهره‌گیری از گرایش‌های ناسیونالیستی و شوینیستی کور برخی از زمامداران این کشورها، سلاح‌های تولید شده خود را به این مناطق صادر کند.

در خلال سه دهه گذشته در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بیش از یک‌صد درگیری مسلحانه بوجود آمده است که در آنها بیش از ۷۰ کشور دخالت داشته‌اند. در نتیجه این درگیری‌ها مسابقه تسلیحاتی بین کشورهای مزبور اوج می‌گیرد و این امر سبب می‌شود که کشورهای امپریالیستی سلاح‌های هرچه بیشتری به کشورهای عقب‌مانده بفروشند و بخش اعظم بودجه سالانه آنها به جیب انحصارات بزرگ سرازیر گردد.

بنابراین امپریالیست‌ها می‌کوشند با تشنج‌زدایی در نقاط مختلف جهان، بازارهای فروش سلاح‌های خود بدست آورند و این امر سبب می‌شود که اینگونه کشورها علاوه بر وابسته‌تر شدن به امپریالیسم وجود و پیشرفت بشریت در آینده خواهد رسید. به عنوان مثال ایالات متحده حکومت عربستان سعودی را به انواع تجهیزات و سلاح‌های آمریکایی مجهز می‌کند حکومت عربستان به بهانه دفاع از موجودیت

فهد برای تحکیم سلطه امپریالیسم و ارتجاع در خاورمیانه تلاش می کند

معامله ۸/۵ میلیارد دلاری اسلحه‌های مجهز به مدرن‌ترین دستگاه‌های جاسوسی از جمله تحویل هواپیماهای آواکس به عربستان سعودی و استقرار بیش از ۸۰۰ کارشناس نظامی آمریکا در خاک این کشور - سرانجام علی‌رغم مخالفت‌های ظاهری " گروه فشار صهیونیستی در کنگره آمریکا و سفارشات مکرر نوکران سرسپرده آمریکا از جمله - سران رژیم مصدق ، - سودان ، - سومالی و عمان - به پایان رسید و اجرای مفاد معامله در میان هلهله شادی امپریالیست‌ها و نوکرانشان آغاز گردید. این قرارداد ننگین که تسمه‌های اسارت اقتصادی ، سیاسی و نظامی عربستان را به امپریالیسم بیش از پیش تنگ‌تر می‌کند در شرایطی انجام شد که دول امپریالیستی متحد آمریکا در ناتو یکی پس از دیگری آمادگی خود را برای شرکت در نیروهای مسلح چند ملیتی واکنش سریع که قرار است در صحرای سینا مستقر شوند ، اعلام نمودند و بدین ترتیب سیاست‌های جنگ‌افروزان و میلیتاریستی خود را با گسترش حضور نظامی مستقیم در خاورمیانه ابعاد جدیدی بخشیدند. اما این تنها یک جنبه مسئله است درست در حالی که خیمه‌شب‌بازی بحث‌های داغ بر سر فروش آواکس‌ها بخش مهمی از گزارش‌های رسانه‌های خبری غرب را به خود معطوف کرده بود. نوزاد خلف این معامله ننگین در طرح ۸ ماده‌ای شاهزاده فهد ولیعهد پادشاهی عربستان متولد شد. طرحی که بنوبه خود بخش مهمی از توطئه‌های امپریالیستی را که در جهت سرکوب مبارزه خلق‌های منطقه و برقراری و تحکیم اتحاد امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاعی

انجام می‌شود ، ترسیم می‌نمایند.

چرا طرح فهد برای خروج کمپ‌دیوید از بن‌بست است

برخی از حبه‌های طرح ۸ ماده‌ای فهد :

- ۱ - سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین را به رسمیت نمی‌شناسد. و اساسا برای این سازمان نقشی در حل مسئله خاورمیانه که مهمترین آن فلسطین است قائل نمی‌شود و در هیچ جای طرح حتی اسمی از این سازمان برده نشده است.
- ۲ - موجودیت دولت صهیونیستی اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد و خواهان همزیستی با نژادپرستان اشغالگر صهیونیست است.
- ۳ - طرح فهد هیچ سخنی از حق تعیین سرنوشت برای خلق فلسطین که اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حق هر خلقی است ، به میان نمی‌آورد. بلکه از تعیین حقوق خلق فلسطین و برداخت غرامت به کسانی که میل ندارند به فلسطین اشغال‌شده برگردند" سخن می‌گوید. و بدین ترتیب مهمترین مسئله مرکزی در مناقشات خاورمیانه را اساسا نادیده می‌گیرد.

۴ - طرح فهد در مورد " تضمین سازمان ملل متحد ویا برخی اعضا آن درباره اجرای این اصول " سخن می‌گوید و بدین ترتیب مسئله ضرورت تشکیل کنفرانس جهانی با شرکت اتحاد شوروی را برای طرح مسئله صلح در خاورمیانه که همواره مورد پشتیبانی سازمان آزادیبخش فلسطین بوده تقریبا منتفی می‌سازد. مقایسه این نکات با طرح کمپ‌دیوید حقایق را از پس جملات و عبارات دهان‌پرکن بیرون می‌آورد چرا که کمپ

دیوید نیز :

- ۱ - سازمان آزادیبخش فلسطین را به رسمیت نمی‌شناخت و کوشش داشت و دارد که با براه انداختن انتخابات قلابی در غزه و ساحل غربی رود اردن نمایندگان جعلی برای مردم فلسطین بفرستد و یا در صورت امکان این نقش به شاه حسین اردن واگذار شود.
- ۲ - موجودیت اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد.
- ۳ - از حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین سخن به میان نمی‌آورد.
- ۴ - از تشکیل ارگان‌های اداری خودمختار فلسطینی در زیر سلطه حکومت صهیونیستی در نوار غزه و برخی مناطق دیگر سخن می‌گوید.

۵ - خروج اسرائیل از مناطق اشغالی پس از جنگ ۶۷ و بطور مشخص صحرای سینا را زیر نظارت نیروهای چندملیتی مطرح می‌کند. . .

۶ - زیر نظارت آمریکا و با شرکت نیروهای مرتجع به اجراء آمده و برای نیروهای انقلابی منطقه و دوستان جهانی آنها از جمله اتحاد شوروی هیچگونه نقشی در ارائه یک راه حل واقعی که به سود خلق‌های منطقه است قائل نمی‌باشد.

رژیم مرتجع عربستان کوشش دارد با ارائه طرح در راستای اهداف کمپ‌دیوید که منجر به انزوای رژیم مصر گردید ، طرح " کمپ‌دیوید دوم " را با آرایشی جدید ارائه دهد و به وسیله آن بن‌بست کمپ‌دیوید را شکسته راه را برای پیوستن سایر رژیم‌های مرتجع منطقه به اتحاد امپریالیستی - صهیونیستی ارتجاعی که هدایت آن در دست امپریالیسم آمریکا است و حول مثلث اسرائیل - مصر - عربستان شکل می‌گیرد ، هموار سازد. حمایت رژیم‌های مرتجع از این طرح موید این امر است

کمپ‌دیوید نیز نشان داد که امپریالیسم از جنین برنامه‌های کام به کام برای نزدیکی دست‌نشاندهاگانش استفاده خواهد کرد. اما این فقط یک جنبه از توطئه‌هاست و بسنده کردن به آن اشتباهی بزرگ است امپریالیسم و دست‌نشاندهاگانش تلاش دارند در سرنوشت‌ها بازی می‌کند. حمایت بیگان از طرح فهد بطور بارزی نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا است که می‌خواهد از طریق این طرح دست‌نشاندهاگانش خود را برای ایجاد اتحاد گسترده امپریالیستی بهم نزدیک سازد و بر تضادهای کنونی فائق آید. تجربه

بقیه از صفحه ۱۱

صلح جهانی و ...

ارزیابی شده است هزینه‌های نظامی این کشورها رشدی برابر ۱۰ درصد داشته است. سیاست میلیتاریستی امپریالیست‌ها از طریق صدور تجهیزات نظامی باعث وابسته‌تر کردن اقتصادهای این کشورها و جلوگیری از پیشرفت اجتماعی آنها می‌شود. سیاست تشنج‌زدایی برای همه مردم جهان اهمیت دارد. حمایت از رونق تشنج‌زدایی در عین حال که به سود تحکیم صلح جهان است ، باعث آن نیز خواهد شد که بخشی از بودجه سالیانه کشورهای جهان به جای مصارف نظامی در خدمت امکانات آموزشی ، بهداشتی و درمانی مردم آنها قرار گیرد. یک جنبه دیگر از سیاست تشنج‌زدایی امپریالیست‌ها ، افزایش مسابقه تسلیحاتی و ادامه تولید سیستم‌های موشکی هسته‌ای و تکامل بخشی‌شدن به این سیستم‌هاست ادامه دارد .

خویش سالیانه میلیون‌ها دلار صرف خرید این سلاح‌ها می‌کند اما همه گس می‌داند که این سلاح‌ها نه به منظور دفاع از موجودیت عربستان ، بلکه علیه کشورهای مترقی منطقه و سرکوب جنبش‌های آزادیبخش بکار می‌رود. بخشی از این سلاح‌ها در اختیار حاکم عمان قرار داده می‌شود تا مبارزان جنبه آزادیبخش ظفار را سرکوب نماید. می‌توان گفت که تقریبا تمام کشورهای که به خرید سلاح از آمریکا اقدام می‌کنند این تسلیحات را به مصرف سرکوب نیروهای مترقی داخلی و یا به مصرف اقدام علیه کشورهای مترقی - همجوارشان می‌رسانند. بر اساس گزارش‌های کارشناسان سازمان ملل اینگونه کشورها بطور متوسط حدود ۶ درصد از درآمد ناخالص ملی خود را به مصارف نظامی می‌رسانند در حالیکه رشد درآمد ناخالص ملی کشورهای در حال رشد سالیانه به میزان ۵ درصد

موت بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

آئین نامه وام مسکن بهیچ وجه پاسخگویی مشکل مسکن کارگران نیست

به جای پرداخت وام مسکن به صورت انفرادی باید تعاونی‌های مسکن کارگری را تقویت نمود

برنامه دولت باید با توجه به ضرورت کنترل طرح‌ها و پروژه‌های ساختمانی وسیع در تشکیل تعاونی‌های مسکن کارگری تسهیلات لازم را فراهم نموده و تعهداتش را در قبال زحمتکشان به انجام رساند. دولت باید از طریق وزارت کار و وزارت مسکن به این تعاونی‌ها رسمیت داده و اعتبار و زمین، اعتبار ساختمانی لازم را در اختیار آنها قرار دهد. این تعاونی‌ها باید با نظارت مسئولین و کارشناسان دولتی دست به ایجاد مجتمع‌های مسکونی ارزان قیمت با اسلوب صحیح زده و امکانات رفاهی لازم را در این مجتمع‌ها فراهم آورند. در پایان لازم به تذکر است که بهره‌گیری از تجارب کشورهای مترقی در این زمینه باید مورد توجه حادی قرار گیرد. سفر وزیر مسکن جمهوری اسلامی ایران به کشورهای هندوستان و شوروی (که همین منظور صورت گرفته است) می‌تواند تا حدی زمینه‌های لازم را جهت تخفیف و رفع این مشکل اساسی زحمتکشان فراهم سازد.

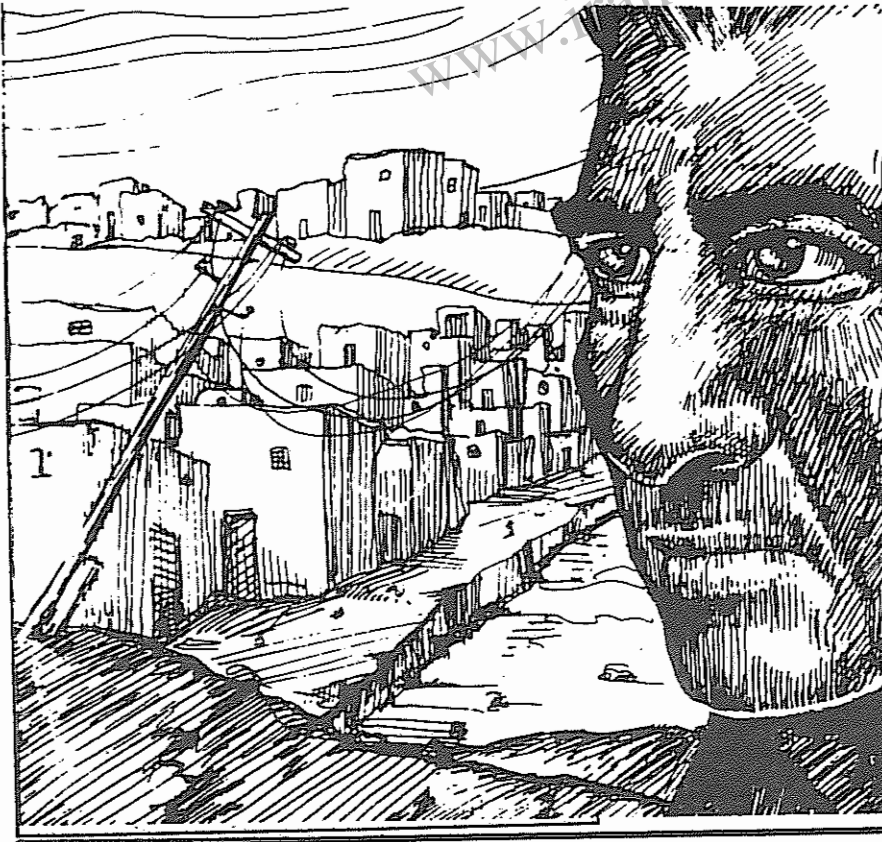
غیر این صورت ۷۰ درصد پرداخت می‌شود و متأسفانه به این ترتیب حربه دیگری برای استثمار بیشتر در اختیار کارفرمایان قرار می‌گیرد. از طرف دیگر با پرداخت حداکثر ۸۰ درصد قیمت مسکن و آن هم با قیمت‌گذاری کارشناس بانک (که اغلب قیمت خانه را کمتر از قیمت روز تخمین می‌زند) کارگر، خود باید مبلغ زیادی پس‌انداز داشته باشد و حتی لوازم ضروری خود را بفروشد با توجه به آنچه گفته شد این وام نمی‌تواند کاهش محسوسی در مشکل مسکن کارگران بوجود آورد. زیرا تنها عده معدودی کارگران (که از درآمد بالنسبه مناسبی برخوردارند) ویا حداقل پس‌اندازی دارند) ممکن است از این وام بتوانند استفاده کنند. راه‌حل اساسی برای کاهش فشار موجود نه پرداخت وام انفرادی مسکن، بلکه یک برنامه‌ریزی جامع از جانب دولت است در این

واقعی کارگران را ابراز نمی‌کنند به این جهت که برای اغلب آنها حداقل دستمزد ملاک تعیین حق بیمه قرار می‌گیرد. همچنین مطابق ماده ۳ آئین‌نامه "مبلغ هر قسط از ثلث حقوقی کارگران نباید تجاوز کند" حداکثر قسطی که بسیاری از کارگران می‌توانند بپردازند، ۶۲۵۰ ریال است و مسلماً با این قسط، وام ناچیزی به آنان تعلق می‌گیرد و مسلماً با آن نمی‌توان خانه‌ای تدارک دید. همچنین تعیین ۶۶ سال سن به عنوان سن استهلاک وام (ماده ۱ بند ۲) بسیاری از کارگران بالاتر از ۴۶ سال و بی‌وزنه مستمری‌بگیران و بازنشته‌ها را عملاً از گردونه خارج می‌کند. در همین ماده (ماده ۱) آمده است: "در صورتی که کارفرمای مربوطه حسن اجرای تعهد وام‌خواه را در مورد تادیه اقساط وام تأیید نماید ۸۰ درصد ارزش وثیقه مسکن و در

فراوان و همچنین کارکنی‌های دولت بازرگان و سپس بنی‌صدر نتوانست کمک موثری در کاهش مشکل مسکن زحمتکشان بنماید. این مانع همچنان با سرسختی تمام پیش‌پای انقلاب برجاماند. قانون اساسی در رابطه با حل مشکل مسکن در اصول ۲۱، ۴۳ (بند یک)، ۳ (بند ۱۲) تصریح دارد مطابق اصل ۳۱ داشتن مسکن مناسب، حق هر فرد و خانواده ایرانی است و بر اولویت تهیه مسکن برای روستائینان و کارگران تأکید شده است. اما متأسفانه تاکنون در اجرای این اصول گامی جدی برداشته نشده و مضافاً آنکه با تغییر لوائح مسکن و اراضی شهری توسط شورای نگهبان (از طریق تبدیل آن به شورای بی‌پال و دم و اشکم) مدت درازی در تصویب و اجرای این لوائح مانع‌تراشی شده است. اقدام دیگری که اخیراً در زمینه تخفیف مشکل مسکن کارگران صورت گرفته است، پرداخت وام انفرادی مسکن به کارگران می‌باشد (که به صورت آئین‌نامه‌ای در روزنامه‌ها منتشر شده است).

مسئله مسکن از جمله غامض‌ترین مسائل مبتلا به جامعه ماست. از پس از پیروزی انقلاب، کارگران میهن ما همانند دیگر زحمتکشان از حاکمیت نوین انتظار رفع مشکل مسکن و یا حداقل کاهش فشار ناشی از آن را داشته‌اند. اسام خیمینی رهبر انقلاب در همان اوان پیروزی انقلاب بهمن طی یک پیام تاریخی خواستار ساختن خانه‌های ارزان قیمت برای محرومان جامعه شدند. ایشان در پیام ۲۱ فروردین ماه ۵۸ خود تأکید کردند که: "در رژیم منفور پهلوی مسئله مسکن یکی از مصیبت‌بارترین مشکلات اجتماعی مردم ما بود: بسیاری از مردم در اسارت تهیه یک قطعه زمین و داشتن یک لانه بودند و چه بسا تمام عمرشان را زیر بار بانکها و سودجویان و غارتگران بسر می‌بردند تا بتوانند پناهگاهی را برای خود و فرزندانشان دست و پا کنند. قشر عظیمی از مستضعفان جامعه هم بگلی از داشتن خانه محروم بودند و در زوایسای بی‌فوله‌ها و اطاقکهای تنگ و تاریک و خرابه‌ها بسر می‌بردند و چه بسا قسمت مهمی از درآمد ناچیزشان را بایستی برای اجاره آن بپردازند و این میراث شوم برای ملت ما باقی مانده و اکنون جامعه ما با چنین مصیبتی دست به گریبان است. نظام اسلامی چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد و این از حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد... همه محرومان باید خانه داشته باشند"

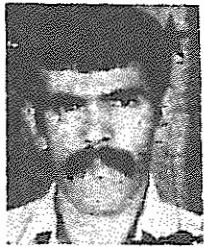
متعاقب این پیام، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و حساب امام تشکیل شد. زحمتکشان بویژه کارگران با علاقه و شور زاید الوصفی آنچه را که داشتند و ارزشی داشت به عنوان پشتوانه مالی به این نهاد واگذار کردند. ولی متأسفانه بنیاد مسکن بر اثر بی‌برنامگی و ندانم‌کاری‌های



استقلال - کار - مسکن - آزادی

حاکم شرع دادگاه شیراز باخط امام دشمنی می کند

به دنبال اعدام غیرقانونی ۳ تن از هواداران ما در شیراز، به دستور بروجردی حاکم شرع عبدالرسول دشتیاری زاده نامزد سازمان برای نمایندگی مجلس و برادرش نیز خودسرانه اعدام شدند.



رفیق شهید
عبدالرسول دشتیاری زاده



رفیق شهید
محمد دشتیاری زاده

محرومان و مستضعفان باشد. برای آنکه تصویر روشن تری از حقایق ارائه داده باشیم بدست یادآور شویم که اکثر مسئولان ارگان های شیراز بر خلاف مناطق دیگر از هرگونه همکاری در جهت مبارزه با صدام انقلاب با دوستان و رفقای ما خودداری ورزیده اند.

حتی زمانی که هواداران و رفقای ما به دنبال رهنمود رهبری سازمان دایر بر تحویل سلاح به سپاه پاسداران و نهادهای مسئول در شیراز و فارس مراجعه کردند تا دشمنان و توهین مسئولین روبرو شدند. رفقای ما با شگفتی متوجه شدند که بسیاری از این مسئولان آنها راه جنگ با جمهوری اسلامی ترویج و ترغیب می کنند این دسته از مسئولین با لحن تویخ کننده ای بیسه رفقای ما می گفتند:

"چرا سلاحهایتان را تحویل می دهید؟ فکر برای جنگیدن با جمهوری اسلامی به آنها نیاز ندارید؟" مگر یک نار دیگر ضمن اعتراض شدید خود نسبت به صدور احکام اعدام رفقایمان در فارس آگاهی مسئولان قضایی کشور را به این جنایات جلب می کنیم. و از آنها می خواهیم جنایتکارانی را که دستشان به خون مدافعان انقلاب و خط صدامبرالعیسی و مردمی امام خمینی آغشته است به مردم معرفی کرده و به محازات برساند. ما بار دیگر نسبت به عاملین و سوتیکنندگان این جنایات اعلام جرم کرده و خواهان آن هستیم که به سکاات و اعلام جرم های خانواده اعدام شدگان سازمان و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رسیدگی عاجل به عمل آید.

دامن زدن به بودن "امین قضایی" و "امین اجتماعی" و سرانجام القاء "بی نیایی" تماما عناصری ساخته شده آن ساستی است که همه براندازی سرکردگی آمریکای جنایتکار در لحظه کنونی برای درهم شکستن انقلاب بکار می گیرد. اعدام اعضا و هواداران "اکثریت" در راستای "احزای این سیاست های ضدانقلابی است. از میان بردن جانیگاران انقلابی مانند عبدالرسول دشتیاری زاده هیچ معنایی جز خدمت به خوانین ضدانقلابی فارس که با کمک خوانین سیستان و بلوچستان و در ارتباط مستقیم با سخپس های خلیج و سازمان سیا ملحق شده اند، نیست. این اعدام ها عملا کاربست رهنمودهای گروهک آمریکایی رجبران است که هم اینک با تشکیل باندهای مسلح سرکردگی ایرج عطاء و قبیله گشکولی از فتوادل راده های فارس دست درکار بابودی مدافعان انقلاب و دشمنی میان جمهوری اسلامی و نیروهای انقلاب را دامن می زنند. این اعدام ها هم آوازی با جریان آمریکاساخته "سورای مرکزی ست" است که به رهبری روحانی آمریکایی شیخ محمد قصبی میان مردم فارس تخم تفرقه و دشمنی می کارد.

این اعدام ها خواست بی چون و چرای آن بخش از روحانیون مستفدی است که تمام کارنامه شان در طول پیروزی انقلاب ناکون، مخالفت با رعایت آزادی های مطرحه در قانون اساسی، دشمنی با استقرار قانون اساسی، کینه توری عنودانه با مدافعان احزای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی و هر افرادی است که به سود

جهاد سازدگی و دیگر سهادهای مردمی شیراز و فارس همواره محل اعمال نظر آن دسته از روحانیون بوده است که با سمت گیری مردمی انقلاب و خط امام مخالفند در سحجه اعمال قدرت این حسن از روحانیون که در آسین خود کسمیری ها و سی صدرها می پروراند، بارها شاهد تصفیه مسلمانان مارز و صدیق پیرو خط امام از سهادهای انقلابی و مردمی فارس بوده ایم.

ما از مقامات قضایی کشور می پرسیم که تکرار مداوم جنایاتی که توسط دادگاه های فارس صورت می گیرد آیا می تواند مورد تایید و حمایت اسلامی باشد که برجم آن را امام خمینی برافراشته است؟ آیا می تواند بر احکام اعدام کسای مبرر تایید گذارد که زندگی شان جز مبارزه در راه عدالت اجتماعی به سود محرومان و مستضعفان و در راه دفاع از خط صدامبرالعیسی و مردمی امام خمینی نبوده و نیست؟

اعدام بگیرترین مدافعان خط صدامبرالعیسی و مردمی امام خمینی در یکی از کانون های اصلی فعالیت ضدانقلاب را، به هیچ رو نمی توان جدا از توطئه های همه براندازی سرکردگی آمریکای جنایتکار مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. ما با اعتراض شدید به اعدام اعضا و هواداران سازمان توسط بروجردی حاکم شرع شیراز، از مقامات مسئول بخصوص دادستانی کل انقلاب می خواهیم چگونه صدور این احکام جنایتکارانه را عمقا بررسی نمایند و عاملین این جنایات را افشا و مجازات کنند.

توسط نه ناراضی تراشی، اشاعه بی قانونی و خودسری

بوسهر عبدالرسول دشتیاری زاده را به عنوان کاندیدای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به ختوسی می ساختند. عبدالرسول به عنوان جبهه های انقلابی که در مبارزه با رژیم شاه و در سرورزی انقلاب فعال بوده و همواره از جمهوری اسلامی دفاع می کرده است، از احترام عمیق مردم بوسهر برخوردار بودند. هویت محمد دشتیاری زاده برادر کوچک عبدالرسول به عنوان "اکریمی" برای سپاه پاسداران، کمیته و دادگاه انقلاب بوسهر محرز بوده است و همین دلایل حکومت نامرده برای مدت ۶ ماه زندان از نظر سازمان غیرموجه بود.

اعدام غیرقانونی و توطئه گرانه عبدالرسول و محمد که به محض ورود بروجردی حاکم شرع به بوسهر و به دستور او صورت گرفت، دشمنی با خط امام و نقض آشکار رهنمودهای امام خمینی است، این اعدام های انقلاب سگانه موج گسترده اعتراض مردم را علیه جنایات بروجردی برانگیخته است. قابل تذکر است که تاکنون بروجردی حاکم شرع، امامی اعدام شدگان را در اختیار مطبوعات نگذاشته و از توضیح پیرامون علت اعدام آنها خودداری کرده است.

۲/۵ سال تجربه انقلاب نشان می دهد که هر جا دشمنی و سرکوب توده های و فدایی (اکثریتی) در پوشش ظاهر قشری و افراطی به اسلام ظاهر شود، باید به دنبال "تغاله های آمریکایی" کلاهی ها، کشمیری ها و صادق ها بود. خاطر نشان می سازیم که دادگاه های انقلاب، سپاه پاسداران،

به دستور بروجردی حاکم شرع دادگاه انقلاب شیراز و سرپرست دادگاه های انقلاب فارس، عبدالرسول دشتیاری زاده نامزد سازمان برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در بوشهر، روز پنجشنبه هفتم آتامه در خیابان بازداشت می شود کوچک عبدالرسول که تا آخرین هفته های محکومیت خود را در زندان بوسهر می گذراند، به دادگاه فرا خوانده می شود. روز بعد جمعه هشتم آتامه اجساد تیرباران شده عبدالرسول و محمد به خانواده شان تحویل می گردد.

چندی پیش نیز بروجردی حاکم شرع، حمید شبانی عبدالوهاب فلسفیان و محمد رضا گلشن را که دو نفر آنها به خدمت وظیفه مشغول بودند به دلایل جعلی و بطور غیرقانونی محاکمه و به جوخه اعدام سپرده بود.

بر اساس اطلاع ما از بوشهر، چهارماه پیش از این بر اثر غرضورزی و اطلاعات نادرست برخی عناصر، محمد و عبدالرسول دشتیاری زاده توسط سپاه پاسداران بوشهر بازداشت می شوند. دادگاه انقلاب

بوشهر پس از رسیدگی به پرونده آنها، عبدالرسول دشتیاری زاده را تبرئه و محمد را به شش ماه زندان محکوم می نماید در جریان دادگاه تعدادی از مسئولین سپاه پاسداران بوشهر که از نزدیک با عبدالرسول آشنایی داشتند، در مقابل اتهامات بی اساس از وی به عنوان فردی که همواره پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بوده و با نهادهای انقلابی شهر همکاری فعال داشته دفاع می کنند. تمام ارگان های دولتی و مردم

مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

رفقا هادی بغدادی و احمد محبی پس از مدتها نبرد بی امان با متجاوزین امریکائی - صدامی در جبهه های کرخه نور و دهلاویه بشهادت رسیدند

شبهای وطن ستارباران بادا
سرتاسر ملک ما بهاران بادا

رژیم مزدور شاه به وظیفه انقلابی خود عمل نمود . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ماه تاهنگام اعزام به خدمت سربازی رفیق از اعضای موثر تشکیلات سازمان ما در لنگرود بود با شروع جنگ تحمیلی رژیم مزدور صدام علیه انقلاب مردم ما رفیق خود را به مقامات مسئول معرفی نموده و پس از طی دوره های بطور داوطلبانه عازم جبهه گردید . سرانجام در جریان عملیات مشهورانه ای با شرکت جان برکفان سپاه پاسداران ، هوایرد ، بسیج و ژاندارمری در حالیکه موفق شده بودند دشمن متجاوز را تا ۵ کیلومتر به عقب برانند همراه تعدادی از رزمندگان پاسدار ، بسیجی و ارتشی بر اثر اصابت مستقیم خمپاره به شهادت رسید و به خیل عظیم شهدای راه استقلال و آزادی میهن پیوست . گرچه قلب بزرگوارش برای همیشه از پیش باز ایستاد ، اما چراغ زندگی شرافتمندانه ای که او قراره زندگی خود افروخته بود همواره راهنمای پویندگان صادق راه استقلال و آزادی میهن و بهروزی بشریت خواهد بود . ما خاطره زندگی و مرگ فداکارانه رفیق شهید احمد محبی را گرامی می داریم و به همزمان وبستگانش درود می فرستیم

در محله "راه بسته" لنگرود به دنیا آمده دوران دبستان و دبیرستان را در این شهر به پایان رساند و در سال ۱۳۵۴ امتحانات سال آخر دبیرستان و آزمون کنکور سراسری را با موفقیت پشت سر نهاد و وارد دانشگاه اصفهان گردید . از بدو ورود به دانشگاه با محافل دانشجویی ارتباط گرفته و خود یکی از فعالین جنبش دانشجویی گردید . به همین دلیل مدت ها تحت پیگرد ساواک قرار داشت . در سال ۵۶ همزمان با اوج گیری جنبش انقلابی در میهنمان به سازماندهی جنبش اعتراضی دانشجویی پرداخت و بر اساس رهنمود سازمان در ارتقا و تعالی آن کوشید . در سال ۵۷ و به دنبال تعطیلی دانشگاه به زادگاهش برگشته و با کار آگاه گرانه و براه انداختن تظاهرات و بسیج مردم علیه



رفیق شهید احمد محبی

رفیق احمد محبی پس از سالها مبارزه با امپریالیسم جهانی برکردگی آمریکا و نوکران دست نشانده اش عاقبت در تاریخ بیست و هفتم شهریورماه در حالی که سرود مقاومت بر لب داشت قهرمانانه در جبهه های جنگ مقاومت میهنی به خون غلظید . رفیق احمد به سال



رفیق شهید هادی بغدادی

آشنایانش خاطره جانپزایی هایش را گرامی داشتند . مایاد رفیق شهید هادی بغدادی و برادر شهیدش و همه شهدای بخون درخته خلق را ارج می نهیم و دروهای انقلابی خود را نثار خانواده مبارز رفیق می نمایم و شهادت دو فرزند فداکارشان را تسلیت می گوئیم .

فدایی خلق ، رفیق شهید هادی بغدادی مدتی بعد از شهادت برادر پاسدارش در جبهه های غرب در جبهه جنوب به شهادت رسید . رفیق هادی بغدادی در سال ۱۳۳۹ در خانواده زحمتکش و محرومی در شهرری دیده به جهان گشود ستم عربیان و همه جانی های که بر مردم می رفت و موجب فلاکت هزاران انسان می گردید ذهن حساس او را بشدت تحت تاثیر قرار می داد و او را به چاره جویی و امید داشت . آشنایی او با کتاب و مطالعه تاریخ خلقهای از بند رسته و مبارز، او را به نابودی و فروپاشی محتوم امپریالیسم و رژیم های وابسته و رهایی کارگران و زحمتکشان امیدوار ساخت . با شروع خیزش توده های در سالهای ۵۶-۵۷ رفیق هادی بغدادی همدوش هزاران مبارز و انقلابی به مبارزه های همه جانبه با رژیم آمریکایی شاه پرداخت . بعد از پیروزی انقلاب با شرکت در کمیته انقلاب شهری به دفاع از انقلاب برخاسته و با شوق و شوری وافر کمر همت به خدمت انقلاب بست . متاسفانه بعد از چند ماه کوشش شبانه روزی تنها به جرم فدایی بودن از کمیته اخراج گردید . با شروع تجاوز ضد انقلابی رژیم ضد مردمی صدام به میهنمان رفیق اول در پشت جبهه با سازماندهی شورای محل و توزیع خوراکیار و جمع آوری کمک برای جنگ زدگان و رزمندگان جبهه ها و سپس در صف مقدم جبهه به یاری رزمندگان قهرمان جبهه های جنگ میهنی شتافت . در مدت حضور در جبهه همواره سمبل یک انقلابی میهن پرست بود . دو هفته قبل از شهادتش در اثر اصابت ترکش خمپاره زخمی گردید و پس از مدتی بستری بودن بر اثر علاقه وافرش به همزمان و مردمش در حالیکه هنوز زخمش بهبود نیافته بود به جبهه برگشت و بالاخره روز سی ام شهریورماه در جبهه کرخه نور در اثر ترکش خمپاره های متجاوزین به شهادت رسید پیکر گلگونش طی مراسم باشکوهی در شهری به خاک سپرده شد و مردم و دوستان و

در میهن پر حماسه و خونینم
با خون تو صد بهار فروردینم
فریاد تو در من است و با ما جاریست
امروز ترا شکفته تر می بینم

حجت الاسلام رفسنجانی:

برخورد فادانه مجلس را سبب به " قانون سازی می طلبد ما آمدواریم که سخنان آقای رفسنجانی افشا آغازی باشد برای عملی کردن بدون خدشه این سخنان اصنام خمینی که می گوید :
"همه مان نسبت به هم صحبت داشته باشیم و در محیط دوستی خدمت به مملکت بکنیم دشمنی برای چی ؟ چرا باید با هم دشمن باشیم ؟ با هم دوست باشیم در ساختن کشور "

سرنوشت انقلاب در راه نامین استقلال آزادی و عدالت اجتماعی ، بیگیر و بی تزلزل مبارزه کرده و می کند اینها نیروهای انقلاب هستند و هنر رهبری یک انقلاب مردمی در این است که انقلاب را از تمام توان این نیروها برخوردار سازد . به گمان ما سخنان آقای رفسنجانی می تواند مقدمه ای باشد برای تصحیح اخراج های بی رویه و پاکسازی های غیر اصولی در ادارات و موسسات ، سخنان آقای رفسنجانی در عین حال

فهد برای تحکیم سلطه امپریالیسم و ارتجاع در خاورمیانه تلاش می کند

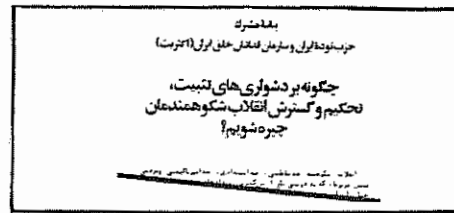
اراده و استقامت مردم ما،
قوی تر از
موشک های آمریکا و
رژیم صدام است

حمله موشکی صدام جنایتکار به شهرها
بیانگر زبونی او و قدرت اراده مردم ماست

ارتش او ، از بیچاری و
زبونی، آوار بر سر مردم بی
دفاع خراب می کنند. مردم
خوزستان ، قهرمانان بی نام
و نشان کوچه ها و خیابان های
آبادان ، دزفول، سوسنگرد
اهواز طعم خانه خرابی ها
مصیبت های جنگ تحمیلی را
بارها چشیده اند و درد عمیق
خود را در شعار " مرگ بر
آمریکا " فریاد نموده اند.
آنها در زیر خوارهای
مصیبت و در بدری و
خانه خرابی و در غم از دست
بقیه در صفحه ۳

رژیم صدام جنایتکار بار
دیگر با توسل به آتش
سلاح های دورزن و موشک های
زمین به زمین خود شهرهای
قهرمان سوسنگرد ، دزفول و
اهواز را به خاک و خون و
ویرانی کشید. این اولین بار
نیست که مردم مصیبت کشیده
و قهرمان خوزستان زنان و
مردان غیر مسلح ، طعمه
جنایت رژیم مرتجع صدام
می گردند و قطعا این آخرین
بار هم نخواهد بود که اشرار
صدام و فرماندهان مزدور

بیانیه مشترک حزب توده ایران و
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را
به مردم برسانید و برای زحمتکشان بخوانید



یک وظیفه انقلابی،
میهنی و تأخیر ناپذیر

اولین بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان ما ، چهارشنبه ۱۳ آبانماه سال ۱۳۶۰ در سالروز تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا انتشار یافت . بیانیه مشترک : دستاورد بزرگ مبارزه دو سازمان ما ، برای تامین وحدت صفوف نیروهای اصیل و صدیق سوسیالیسم علمی و نخستین گام، برای پایه ریزی اتحاد بزرگ همه نیروهای وفادار به آماج های انقلاب شکوهمندمان است . بیانیه، با ارائه تحلیل مشترک از لحظه کنونی دشواری های تثبیت ، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان را می شناساند و راه غلبه بر آنها را نشان می دهد .
دوستان و رفقا !

میهن دوستانی که در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی می رزمید !
بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به مردم برسانید و برای زحمتکشان بخوانید !

این یک وظیفه انقلابی ، میهنی و تأخیر ناپذیر است

یاد داشتی بر سالگشت تسخیر جاسوسخانه آمریکا

همه قلم ها و همه مسلسلها را بسوی آمریکا نشانه بروید
در صفحه ۳

گزارشی از:

روستاهای استان اصفهان

در صفحه ۹

بمناسبت اوچگی جیش دموکراتیک صلح
در کشورهای اروپایی

صلح جهانی
و اهمیت مبارزه
در راه حفظ و
تحکیم آن

در صفحه ۱۰

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کد ویژه جوانان

شماره ۲ - چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۳۶۰ - ۸ صفحه
ضمیمه ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون طرح جدید گزینش دانشجو

● اصل سوم از اصول کلی قانون اساسی ، آموزش و پرورش و تربیت بدنی را برای همه و در تمام سطوح رایگان اعلام کرده است و تسهیل و تعمیم "آموزش عالی را قانونیت داده است . در حالی که طرح مذکور نه تنها " تسهیلاتی " برای آموزش عالی ایجاد نمی کند و آن را " تعمیم " نمی دهد بلکه آموزش عالی را در محدودهای غیر از آنچه قانون اساسی تصریح کرده و ضروریات انقلاب می طلبد ، نگه داشته است

● باید کاری کرد که فارغ التحصیلان دبیرستان های ما بتوانند بر مبنای تخصص های اکتسابی به خدمت جامعه درآیند و همه اینکارها را نمی توان منحصر به یک ساله پایان دوره دبیرستان نمود . باید خلائی بین کارگران ساده و متخصصین را از طریق ایجاد و گسترش مدارس حرفه ای و فنی در جنب واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی پر کرد و با ایجاد دوره های آموزشی کوتاه مدت پس از اخذ دیپلم در ارتباط با کار وزارتخانه ها و سازمان های دولتی عرصه های کار نوینی برای جوانان بوجود آورد . درعین حال باید امکانات آموزش عالی را گسترش داده و آن را در اختیار همه قرار دهیم .

در صفحه ۴

ورزش صبحگاهی را در مدارس سازمان دهیم

● برای آنکه ورزش صبحگاهی در مدارس هرچه وسیع تر به اجرا درآید و اکثریت توده دانش آموزان را زیر پوشش خود بگیرد ، باید اقداماتی جدی در جهت هماهنگ کردن ورزش صبحگاهی محصلین صورت گیرد . علاوه بر آن ، باید سازمان بازاریارنده گسترش ورزش ، از میان برداشته شوند ، بهترین بخش این وظیفه به عهده مسئولین آموزش و پرورش است ، ضمن آنکه دانش آموزان آگاه و انقلابی برانند با تلاش بیگانه ریشه را مساعدتر سازند و مسئولان خود را به حالت براین محالیت جسی فرخوانند .

در صفحه ۵

یاردرخانه وماگرد جهان می گردیم

● چرا وارثان و سازندگان میهن انقلابی مان را در داخل کشور تربیت نکنیم ؟

در صفحه ۶

بادولت جدید ، جوانان

ازمشکلاتشان می گویند

● ما همچنان بر آمادگی رزمی نیروهای وسیع مردم بهویژه جوانان انقلابی برای مقابله و رویارویی با توطئه های امپریالیسم جهانی تاکید می کنیم .

● سهل نیست که با تمام معضلات ، ریشه کن کردن بیکاری در کوتاه مدت انجام پذیرد اما برنامه ریزی برای حل این مشکل ، ارائه چشم اندازی برای وضعیت مطلوب و اقدام عملی برای اجرای این برنامه ها ، آن چیزی است که امروز می توان طلب کرد .

در صفحه ۲

خروش یکپارچه دانش آموزان در مراسم ۱۳ آبان

مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما



● روز ۱۳ آبان ، خیابان های اطراف جاسوسخانه آمریکا بار دیگر سرشار از جمعیتی شد که یکپارچه شعار " مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما " سرمی دادند . صدها هزار مشت گره کرده ، بار دیگر اتحاد و پایداری خلق بیخاسته مان را به نمایش گذاشتند . ده ها مترسک " عمو سام " این دیو مکار و دشمن خونخوار زحمتکشان جهان در آتش خشم مردم سوخت و دود شد . صدها پرچم آمریکا زیر پاهای کوچک محصلین دبستانی و در زیر گام های استوار سپاه مصمم دانش آموز لگدکوب شد .

روز ۱۳ آبان ، هزاران پرچم آمریکا به دست مردمی که داغ جنایت های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا را بر سینه دارند ، در سراسر ایران به آتش کشیده شد . گویی در این روز ، سرنوشت محتوم امپریالیسم به نمایش گذارده می شد .

روز ۱۳ آبان ، سالروز تبعید امام خمینی ، سالروز مقاومت خونین دانش آموزان و دانشجویان در برابر چکمه پوشان رژیم آمریکایی شاه و دومین سالگرد تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ، توسط دانش آموزان گرامی داشته شد . بسیاری از مردم انقلابی ایران فرزندان خود را در این مراسم همراهی کردند . و بدینگونه بود که اطراف جاسوسخانه ، این میعادگاه مشت های گره کرده ، این جولانگاه قلب های پرتپش سینه های آتشین و چشم های پر امید بار دیگر سراسر خروش و فریاد شد .

" مرگ بر آمریکا ! مرگ بر آمریکا ! " این نشان خشم بود . خشم بی پایان خلق نسبت به آمریکا ، سرکرده امپریالیست های جهان . " درود بر خمینی ، سلام بر دانشجوی خط امام " و این سپاس بود . سپاس خلق از رهبر انقلاب و از تسخیرکنندگان مرکز توطئه و خیانت امپریالیسم آمریکا .

بقیه در صفحه ۳

پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری دانش آموزان ایران!

بادولت جدید

جوانان از مشکلاتشان می گویند



انتظار داریم که موقعیت خاص و ویژه جوانان در برنامه‌های دولت آتی جای خویش را به درستی بیابد و با درایت و تیزبینی دولتمردان جمهوری اسلامی ایران انقلاب، همه نیروهای بالقوه و بالفعل خویش را تجهیز کند و در مقابله با دسائس دشمنان بگمارد.

روابط خوبی با آن نداریم ... " به این علت است که ما همچنان بر آمادگی رزعی نیروهای وسیع مردم و به‌ویژه جوانان انقلابی برای مقابله و روبرویی با توطئه‌های امپریالیسم جهانی تاکید می‌کنیم و می‌خواهیم برای پیروزی نهایی در جنگ تحمیل شده عراق به ایران و دیگر صحنه‌های رزم، آمادگی جوانان مورد توجه قرار گیرد این درست به معنای گسترده‌تر شدن صفوف ارتش بیست میلیونی است تا تعداد هرچه بیشتری از جوانان و نوجوانان ایرانی را در خود جای داده و آنها را مجهز به آموزش‌های نظامی بنماید.

ما درک می‌کنیم که رکود کنونی اقتصاد ایران دنباله زکودی است که از سال ۶۵ آغاز شده است، ما می‌فهمیم که این از عواقب یک اقتصاد وابسته است که ناگهان چنین توفقی در فعالیت‌هایش ایجاد می‌گردد، ما می‌دانیم که بیکاری بخش وسیعی از جوانان میهنمان، در نتیجه سیاست‌های نوکرمآب دار و دسته شاه است.

اما پس از انقلاب گذشته از توطئه‌های رنگارنگ دشمنان، حضور دوستان نیمه‌راه در دولت‌های پیشین و نفوذ عوامل مخرب که به مسائل فوق اضافه شده، فقدان یک سیاست سنجیده و مشخص اقتصادی - اجتماعی و برنامه جامع و علمی برای تحقق این سیاست، حل مشکلات به شکل موضعی و چه بسا اتخاذ تصمیمات ناسنجیده و ذهن‌گرایانه برای حل آنها، ندانم‌کاری، کارشناسی، جاه‌طلبی، بی‌تجربگی و بسیاری پدیده‌های دیگر از این دست از سوی دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی، مجموعه عواملی است که بر شدت آشفتگی و نابسامانی‌ها افزوده است.

با توجه به تمام مطالب فوق است که می‌خواهیم بیکاری را در میهن ما ریشه‌کن کنید سهل نیست که با تمام معضلات، چنین کار عظیمی در کوتاه‌مدت انجام گیرد. اما برنامه‌ریزی برای حل این مشکل و ارائه چشم‌اندازی از وضعیت مطلوب و اقدام عملی برای اجرای این برنامه‌ها، آن چیزی است که امروز می‌توان طلب کرد.

مشکلاتی که بر اثر بیکاری گریبان هزاران جوان را گرفته بشمارند و آنچه در این میان برجسته‌تر است هرزرفتن انرژی بیکرانی است که باید برای ساختن ایران مستقل و آزاد بکار رود.

دولتمردان جمهوری اسلامی بخوبی واقفند که نظام آموزشی پیشین، در راستای اهداف خاص خویش، کسانی را تربیت می‌کرد که پس از اخذ

بقیه در صفحه ۷

نمی‌آید، آنان از بهترین رزمندگانی هستند که هر خلقی ببار می‌آورد.

دلایل محکم این سخن، تمام جانبازی‌های دوران دیکتاتوری رژیم سلطنت، مبارزات دوران انقلاب سخت‌کوشی‌های دوران تسخیر جاسوخانه و فداکاری‌های بزرگ در جبهه‌های جنگ میهنی است.

و زیاد نیست اگر که بگویم، نقش جوانان در ساختن ایران انقلابی در آینده، نقشی تعیین کننده است چرا که جوانان جان‌مایه و خون تازه هر جنبش اجتماعی و آماده‌ترین بخشی هستند که اهداف و برنامه‌های انقلابی و نوین را درک کرده و برای تحقق آنها تلاش می‌کنند. به همین ویژگی است که جوانان منادی آینده هر جامعه بشمار می‌آیند و سنگ پایه‌های ترقی و کامکاری جامعه را بنا می‌نهند.

آقای نخست‌وزیر!

بدین لحاظ است که جذب و سازمان‌دادن جوانان در سمت اهداف میهنی و مردمی، بطور موثری جنبش ما را به گامی‌های گسترده‌ترین خواهد کرد.

بر پایه تمام زمینه‌های مثبتی که در واقعیات روزمره جامعه ما برای اجرای دگرگونی‌های عمیق موجود است براساس چشم‌اندازهای روشنی که در حرکت دولت جدید تصویر کرده‌اید و بر مبنای توانی که در مردمان سراغ داریم، فکر می‌کنیم که باید در انتظار تحولات بسیار جدی در آینده انقلاب باشیم.

بدین سبب است که در اینجا می‌گوئیم تا اساسی‌ترین مسائل و خواست‌های جوانان را با دولت جدید مطرح کنیم و امید آن داریم که برنامه‌ها و حرکات کابینه شما برای تحقق این خواست‌ها و بسیج توده‌های جوانان و شرکتشان در مبارزه انقلابی، آغازی نوین باشد.

انقلاب ایران تا بحال شاهد توطئه‌های بسیار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بوده است. خلق ما در بسا صحنه‌ها به زورآزمایی یا این دشمنان پرداخته و مایه سرافرازی آنکه، از تمامی نبردها پیروز بیرون آمده.

بدیهی است تا آن هنگامی که مردم ما هدف رسیدن به استقلال کامل را دنبال می‌کنند، امپریالیست‌ها دست از سر ما برنخواهند داشت. چنانکه در همین چند روز گذشته "هیسگ" وزیر امور خارجه ایالات متحده گفته بود حکومت ایران، حکومت دلخواه نیست و ما

"... در پیروزی ۲۲ بهمن ملت ما موفق شد ساخت سیاسی رژیم گذشته را درهم بشکند ولی مدت‌ها طول کشید تا این دگرگونی عمیق و واقعی را در خود ایجاد کند و به آن عمق بخشد و برای این عمق بخشیدن ما شاهد بودیم که چه بلاهایی از سر گذراند و چه مبارزات گسترده‌ای را کرد و چقدر در این راه قربانی دادیم.

... من فکر می‌کنم که برای کارکردن الان زمینه مساعدتری برای هر دولتی که بخواهد روی کار بیاید وجود دارد... امروز نهاد‌های ما از نظر سازماندهی پیچیده‌تر، آموخته‌تر شده‌اند. ... من فکر می‌کنم که با وجود چنین زمینه‌هایی اگر شناخت واقعی وجود داشته باشد و اعتقاد و باور عمیقی به دگرگونی در هیئت دولت وجود داشته باشد، با مشکلات هرچه وسیع‌تر، گسترده‌تر و زیادتر می‌تواند مقابله کند، چرا که انقلاب ما قدمی به پس ننهاد، همیشه در حال پیشرفت رشد و جلورفتن بوده، علیرغم تمام مصیبت‌ها و ضایعات ..."

(از نطق نخست‌وزیر در مجلس شورای اسلامی برای معرفی کابینه)

آقای نخست‌وزیر!

آری، این چنین بوده است. جمهوری نوپای اسلامی ایران با پشت سرگذاردن مراحل دشوار و پر نشیب و فراز، اکنون زمام امور اجرایی خویش را بدست شما سپرده است. در چنین مرحله‌ای که به گفته امام "آنکه وظیفه خود را صد درصد صحیح انجام داد، ملت بود اکنون نوبت شماست"، مجلس شورای اسلامی به شما به عنوان رئیس کابینه رای اعتماد داده است.

حال جوانان میهن می‌خواهند با شما سخن بگویند. با شما که با شور بسیار و در کوران مبارزه جوانی خویش را طی کرده‌اید و بخوبی آگاهید که اگر در آن زمان تنها محافظی از جوانان، ایثارگران راه انقلاب بودند، امروزه توده جوانان یک نسل انقلابی به چنین ایثاری دست یازیده است.

گزاره نیست اگر که نقش جوانان را در مبارزه‌های که تاکنون داشته‌ایم، نقشی سترگ بدانیم، چرا که به روزگار ما و مشخصا در لحظه لحظه انقلاب ایران تمامی رخدادهای، جای ممتاز جوانان را در مبارزه خلق کبیرمان به روشنی نشان داده است. جوانان همیشه از ستون‌های جنبش مردمی و آن بهاری هستند که هیچگاه مومش به سر

جوانان انقلابی میهنان هر لحظه و در هر سنگر، آماده مبارزه با امپریالیسم جهانی

به سرکردگی امریکای جنایتکارند

خروش یکپارچه دانش آموزان در مراسم ۱۳ آبان

مرگ بر آمریکا



هفته دوم آبانماه، هفته دانش آموز

چهارشنبه ۱۳ آبان، دانش آموزان ایران مراسم پنجمین روز هفته دانش آموز را برگزار کردند. براساس برنامه‌ای که از طرف "امور تربیتی مدارس تهران" پیش بینی شده بود، دومین هفته آبانماه، هفته دانش آموز نام نهاده شد. براساس این طرح هرروز این هفته به برگزاری مراسمی ویژه اختصاص یافت. شنبه روز بزرگداشت شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی و روز کمک به جنگزدگان بود. دانش آموزان بسیاری از مدارس در این روز به دیدار خانواده شهدایی که می‌شناختند رفتند و برایشان دسته‌های گل بردند. برای کمک به جنگزدگان پول و پوشاک جمع آوری کردند. ساعتی از کلاس درس را به توضیح علل جنگ تحمیلی و چگونگی جنایتهای آمریکا بدست‌صدام گذراندند.

یکشنبه روز ایثار بود. در این روز، در مراسم صبحگاهی برخی مدارس مقاله‌هایی درباره ایثار و فداکاری، توسط دانش آموزان خوانده شد. در بعضی مدارس دیگر، از طرف دانش آموزان، خانواده‌های شهدای انقلاب و یا جنگ تحمیلی برای سخنرانی درباره فرزندان شهیدشان دعوت شدند. بسیاری از دانش آموزان در این روز به مادران داغ‌دیده، شاخه‌های گل تقدیم کردند و برای کمک به جنگزدگان به جمع‌آوری پول پرداختند.

دوشنبه روز خودسازی و وحدت نام گذاشته شده بود. مسئولین برخی مدارس در این روز به توضیح و تشریح مفهوم خود سازی و راههای رسیدن به یگانگی و وحدت پرداختند. در تعداد دیگری از مدارس، مسئولین مدرسه، دانش آموزان را به گرفتن روزه در این روز تشویق کردند. چهارمین روز هفته دانش آموز، روز جهاد سازندگی بود. در تعداد معدودی از مدارس،

آنهم فقط مدارس پسرانه دانش آموزان به کار در بیرون مدرسه برای نظافت شهر و یا کمک به روستاییان پرداختند. در بزرگداشت پنجمین روز هفته یعنی ۱۳ آبان، روز دانش آموز، تقریباً همه دانش آموزان ایران شرکت داشتند. در تهران، آغاز مراسم از درون مدارس بود. در مراسم صبحگاهی مدارس در این روز، پرچمها و مترسک‌های آمریکا سوزانده شد. بچه‌ها، هنگام خروج، پرچم آمریکا را که از پیش، در ورودی مدرسه پهن کرده بودند، گاه با خشم و گاه از سرشوق لگدکوب می‌کردند، سرود می‌خواندند و شعار می‌دادند. "آمریکا نابوداست، خلق ما پیروز است" گاه در مدارس متن‌هایی در بزرگداشت روز دانش آموز و تشریح جنایات آمریکا خوانده می‌شد و آنگاه صف پرشوری از جوانان و نوجوانان همچون رودی به سوی جاسوسخانه آمریکا جاری می‌شد. و این رود

آنجا به دریای است.

خروش دانش آموزان که مراسم گردآمده بودند، فاصله اطراف لانه جاسوسی با مشتهای گره‌کرده می‌کردند. نه سازش، نه تسلیم، نبرد می‌پسوست با آمریکا دانش آموزانی که در سخنران معلم‌هاشان معنای وحدت را جستجو می‌کردند، امروز تبلور راستی و یگانگی و یکپارچگی را در این دریای خروشان دانش آموزانی می‌یافتند که فریاد برمی‌آوردند

"امروز روز بت شکستن ماست! روز شکستن بت آمریکاست!" مراسم ۱۳ آبان ساعت ۲ بعد از ظهر با تلاوت آیاتی از قرآن مجید شروع شد. سپس سرودی انقلابی توسط دانش آموزان خوانده شد. پس از پیام اتحادیه انجمنهای اسلامی مدارس، قطعنامه ۱۳ آبان از پشت‌تربیین خوانده شد. در این قطعنامه ضمن تاکید بر مبارزه با فرهنگ استعماری و پاسخگویی به مشکلات محرومان جامعه که پایه اصلی انقلابند، بر مبارزه با توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکائیان تاکید شد. در بخشی از قطعنامه چنین آمده است:

"ما به توطئه‌ها و دسایس استکبار جهانی به سرکردگی امریکای جهان‌خوار واقفیم و تا محو آن از پای نمی‌نشینیم. ارتش ده میلیونی دانش آموزان ضمن حمایت از کلیه رزمندگان جبهه‌های جنگ حق و باطل در غرب و جنوب کشورمان تا دفع هرگونه تجاوز آماده جانبازی

روز پنجمین هفته دانش آموز، از طرف "امور تربیتی" مدارس، روز علم و دانش نام بقیه در صفحه ۶

پیرامون "طرح جدید گزینش دانشجو"

"کمیته گزینش دانشجو" وابسته به ستاد انقلاب فرهنگی طرحی را تحت عنوان "طرح جدید گزینش دانشجو" به جهت تصویب نهایی و اجرا ارائه کرده است. از آنجا که اجرای این طرح اثرات بسیاری بر سرنوشت صدها هزار جوان و نوجوان ما خواهد گذاشت و نیز به نوبه خود با چگونگی طرحهای درازمدت برای آینده اقتصاد، مدیریت تخصص و ... در جامعه ما مربوط است، لذا پرداختن به آن و نشان دادن نکات مثبت و منفی اش از اهمیت بسیاری برخوردار است.

طرح مذکور در مجموع از دو بخش تشکیل می شود: یکی مقدمه آن که عمدتاً "به تشریح نظام آموزشی باقی مانده از رژیم منحوس گذشته می پردازد و دیگری اصل مطلب که خواهان فائق آمدن بر مشکلات ناشی از نظام آموزشی کنونی و در واقع ارائه راه حل هاست. خانه نکات مثبت این طرح را تنها باید در بخش نخست آن یعنی تشریح نواقص و زشتی های نظام آموزشی باقی مانده از رژیم منحوس گذشته جستجو کرد. این اشارات درست شایان تقدیر و در واقع بیانگر همفکری و همراهی ارائه دهندگان طرح با جامعه انقلابی رسته از بیندما هستند. اما در خصوص ارائه راه حل ها که در برگیرنده شالوده اصلی طرح مذکور است، وضع بدینگونه نیست:

"طرح جدید گزینش دانشجو" یکسال را بعنوان "سال پیش دانشگاهی" در نظر می گیرد که طبق آن در انتهای سال سوم دبیرستان هر کس "خواهد" می تواند به ادامه تحصیل عادی نپردازد و در یک آزمون ورودی مخصوص شرکت کند که طی آن توانایی داوطلبین در زمینه های تخصصی، عمومی و معارف اسلامی سنجیده خواهد شد. سپس در طول دوره یکساله قبول شدگان آزمون نخست به آموختن دروس نظری - دروس پایه دانشگاهی و معارف اسلامی - و کارهای عملی - دوره های ویژه کارآموزی در موسسات دولتی و نهادهای انقلابی - خواهند پرداخت. آنگاه بر اساس "ارزیابی های مستمر این دوران" و نیز یک آزمون نهایی، طبق مندرجات طرح مذکور کسانی که استعداد و شایستگی علمی و "اخلاقی" برای تحصیل در دانشگاه را داشته باشند، برگزیده خواهند شد. و به دیگران هیچ مدرک تحصیلی خاصی تعلق نخواهد گرفت بلکه طبق طرح مذکور می توانند دوباره در سال چهارم دبیرستان ثبت نام نمایند. و البته این "برگشت"

صوابط خاصی دارد که بگفته طرح برای آن ارطرف آموزش و پرورش آیین نامه ای تدوین خواهد شد. علت اصلی ارائه این طرح را خود طرح جیبی بیان می کند " برای اینکه ورود به دانشگاهها جدی تر تلقی شود و فقط افرادی که واقعاً حواسار تحصیلات عالی به حسند به دانشگاهها راه یابند، پیشنهاد می شود ... یک دوره یکساله پیش دانشگاهی تاسیس گردد.

همین دلیل را تشریح "دانشگاه و انقلاب" ارکان جهاد دانشگاهی بتکلی عربیان بر بیان می کند که در واقع عمق اشتباه را به مراتب روشی تر از خود طرح در معرض دید گذاشته است. این تشریح می نویسد: برای حل مساله، هجوم به دانشگاه باید سدت آزمون را از "چهار ساعت" به "یکسال" افزایش داد. و در واقع طرح مذکور هیچ چیز جز این افزایش مدت نیست. اما جای تاسف بسیار است که به این ترتیب دیده می شود ارائه دهندگان این طرح هیچ ربط و نظم منطقی میان طرح بالنسبه درست مشکلات و ارائه راه حل ایجاد نکرده اند. آخرتگره همه مشکلات نظام آموزشی ما - و باحتی مشکل اصلی آن - ناشی از هجوم جوانان به دانشگاه بوده است که حالا ما راه حل را در کنترا این هجوم خلاصه کنیم و امتحان "چهار ساعت" را "یکساله" نماییم.

مگر زشتی های نظام آموزشی ما ناشی از ورود "کسانی که دانشگاه را جدی تلقی نمی کرده اند و واقعاً "خواستار تحصیلات عالی به نبوده اند" بسد دانشگاهها بوده است که حالا شما در صد دیدنا کسان "بهتری" را به دانشگاهها راه دهید؟! آیا نمی دانید که زشتی های نظام آموزشی ما بطور عمده "و حتی تماماً" - ناشی از جهت و سمت و سویی بوده است که نظام وابسته به امپریالیسم "سرمایه مدارانه" برایش تعیین کرده است؟ جای تاسف است که شما این واقعیت را در مقدمه طرح می پذیرید اما در ارائه راه حل آنرا نادیده می گیرید. به کسان ما طرح جدید گزینش دانشجو اساساً "به خاطر این اشتباه مهلک همراهی و همگامی با روند انقلابی جامعه را از دست می دهد و از انقلاب عقب می ماند. اما بپاییم راه حل مذکور را جدی آنچه گفتیم. و بقول معروف فی نفسه بررسی کنیم. تا معلوم شود که این طرح گذشته از عدم انطباق با روند انقلاب به شکلی که آمد به خودی خود چه اشکالات و نارسایی های دارد:

۱- اصل سوم از اصول کلی قانون اساسی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی را برای همه و در تمام سطوح رایگان اعلام کرده است و "سهیل و تمهیل" آموزش عالی را قانونیت داده است. در حالی که طرح مذکور نه تنها "سهیلاتی" برای آموزش عالی ایجاد نمی کند و آنرا "تعمیم" نمی دهد بلکه آموزش عالی را در محدوده های غیر از آنچه قانون اساسی تصریح کرده و ضروریات انقلاب می طلبد نکه داشته است. برای مثال طبق طرح مذکور تنها فارغ التحصیلان سالهای ۵۹ به بعد می توانند مشمول این طرح شوند در حالیکه طبق آمار خود طرح قبل از سال ۵۹، ۵۵ هزار نفر از دبیرستانها فارغ التحصیل شده اند و لزوماً "از حق ورود به دانشگاهها و آموزش عالی محروم می شوند. و این در حالی است که طرح نه برای این عده و نه برای آنها که "دلشان نخواسته است" در دوره یکساله، پیش دانشگاهی شرکت کنند و پا در آن مردود شده اند هیچ عرصه روشن و امیدبخش را در صحنه جامعه تصویر نمی کند.

۲- دستاوردهای علمی در زمینه آموزش و پرورش و روانشناسی جوانان ایجاد می کند که بخاطر شرایط و مقتضیات سنی آنها نظام آموزشی در حد ایشان نقش "تعیین کننده" و بسزایی را داشته باشد. به این ترتیب که عرصه های فعالیت و شربخت، را برای آنان روشن کند تا استعدادها و ذوق و علاقه شان رشد یافته و شربخت ترین عرصه فعالیت

آنها برای خودشان و جامعه روشن گردد. اما این طرح درست نقطه مقابل همه این دستاوردهای علمی تراز می گیرد و نوجوانانی را که سال سوم دبیرستان را به اتمام رسانده اند در واقع درگیر یک "ریسک" می کند! به این ترتیب که آنها "اگر دلشان بخواهد" می توانند در یک دوره یکساله شرکت کنند! پس اگر دیدیم موفق هستند آنها را به دانشگاه راه می دهیم، در غیر این صورت بعد از یکسال اگر آیین نامه وزارت آموزش و پرورش صلاح دانست برگردند و دوباره در کلاس چهارم ثبت نام نمایند! راستی اگر این آیین نامه صلاح ندانست چه می شود؟ نوجوانی که در این "ریسک" باخته است باید چه کند؟ طرح برایش جوابی ندارد و نه تنها برای او، بلکه برای هم سنش هم که در این "آزمایش شانس" از اول شرکت نکرده است همینطور. بسیار اشتباه است اگر جوانان را در این سن بر سر چنین دو راهی های دلبره آور قرار دهیم که معمولاً به اشتضای سن از انتخاب راه درست - آنهم بدون کمک و یاری نظام آموزشی - عاجز باشند و در شکل گیری شخصیت و آینده شان اثرات سو بجا گذارد. ۳- در سن طرح گزینش آمده است: "افرادی که عدم صلاحیت اخلاقی و یا وابستگی آنها به گروه های غیر قانونی سحرز شده باشد از شرکت در آزمون نهایی دوره پیش دانشگاهی محروم خواهند بود. و البته این تبصره شامل آزمون سرحله نخست هم می شود.

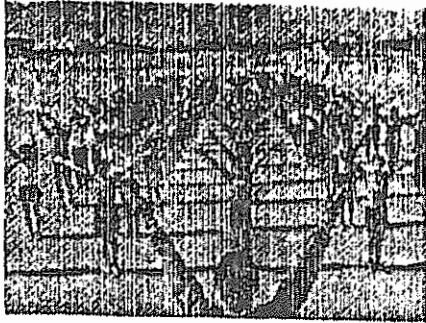


گذشته از تغییرات آسکار این صحبت ها با فسانون اساسی که دولت را بطرم به ایجاد سبیل در آموزش عالی برای همه و تمهیل آموزش عالی می نماید این سحره انقلاب دیگری سیر دارد. اولاً "ساربت" صلاحیت اخلاقی " بسیار قابل تمهیل و گذار است. طرح هیچ تمهیلی از صلاحیت اخلاقی ارائه نمی دهد. آیا کساندن چنین واژه های گذار و قابل تمهیلی در حاست گرایش های بت بطران و انحسار طلبانه قرار نخواهد گرفت؟ فقط "جواب مثبت است. آیا اسد انقلاب و سرنوشت صدها هزار جوان را می توان اینگونه به باری گرفت؟

ارایی که بگذریم طبق سدرجات طرح "واستکی به گروه های غیر قانونی" اسده و سرنوشت یک جوان را تا اسلا "تعمیری" دهد. این مساله بیسار هر خبر سنان دهنده درک بیایست. انحرافی و حتی بی اطلاعاتی ارائه دهندگان طرح از مساله آموزش و پرورش، مساله جوانان، روانشناسی جوانان، وطبعه نظام آموزشی و ... می یابند.

ارزوه بیسی از نیروی جوان ما به گروه های غیر قانونی وابستگی و تمهیل دارد و عملاً در جنبه تمام انقلاب حرکت نمی کند. این درست است! مساله در صفحه ۵

ورزش صبحگاهی را در مدارس سازمان دهیم



مهرماه سال پیش مصادف بود با آغاز جنگ تمحیلی عراق به ایران. شور و وسع دانش آموزان برای شرکت در جنگ و فراگیری آموزش های نظامی برای دفاع از میهن باعث شد که ورزش صبحگاهی در آغاز سال گذشته، با رونق چشمگیری همراه باشد. ولی دیری نپایید که با شروع درگیری های درون مدارس، ورزش صبحگاهی نیز به یکی از عرصه های این درگیری تبدیل شد و فرد توده های خویش را از دست داد. توده دانش آموزان از ورزش صبحگاهی کنار کشید و بی نظمی و نااهنگی حاکم شد و رفته رفته، به یونته فراموشی سپرده شد.

اگر به نقش ورزش در ناسن نندرتستی بدنی، سادایی و سلامت اخلاقی نسل جوان و بالطبع انزب آن در تعلیم و تربیت آمان نوجه کنیم، اگر تاثیر ورزش های جمعی را در ایجاد و تقویت روحیه همکاری، نظم پذیری و جمع گرایی در نظرگیریم و بالاخره اگر در یک جامعه انقلابی، نقش ورزش های رزمی را در تقویت توان و روحیه رزمندگی جوانان در نظرآوریم، ضرورت همکاری کردن ورزش در میهن عزیزمان را بهتر درک می کنیم.

جهان، فقط در خدمت به انحراف کشاندن ذهن توده محصلین از دشمن اصلی و خدشه دار کردن مبارزه، ضد امپریالیستی آنهاست. و این همه در حالی است که مسوولین مملکتی بارها تاکید کرده اند شعارهایی که دشمن اصلی را به فراموشی می سپارند انحرافی و ضربه به انقلاب است.

امسال با توجه به تجربه گذشته انتظار می رفت که از سوی مسوولین آموزش و پرورش، برنامه های واحد و همگانی ارائه شود ولی متأسفانه این چنین نشد و باز هم برگزاری آن به شیوه "گروهی" ادامه یافت یا اصلاً "انجام نگرفت". با این تفاوت که امسال دیگر درگیری وجود نداشت.

بخش قابل توجهی از این ضرورت حیاتی باید در مدارس ما بجا اجرا در آید. یکی از امکانات عقلی که می تواند در خدمت این هدف قرار گیرد، تنظیم و همکاری کردن ورزش صبحگاهی در مدارس است. شرایط ویژه جامعه، پس از انقلاب ما و لزوم تقویت ارتش ۲۵ میلیونی برای مقابله با هر تجاوز احتمالی، توجه به تربیت بدنی و تقویت روحیه رزمی نوجوانان را ضرورتی بیشتر بخشیده است. برگزاری ورزش صبحگاهی با برنامه و محتوایی برپایه می تواند بخشی از این ضرورت را پاسخ گوید. علاوه بر آن، نرمش دسته جمعی دانش آموزان، قبل از شروع درس، در ایجاد نشاط و سرزندگی و آمادگی بیشتر برای جنب مطالب درسی، تاثیر بسزای دارد و می توان گفت که از این لحاظ بطور مستقیم بر ارتقای فراگیری محصلین امری گذارد. نندرتستی و نشاط نوجوانان، عاملی مهم در فعال شدن اندیشه آنها و کسب بهتر علوم و فنون است.

فقدان یک برنامه سراسری در مورد چگونگی برگزاری ورزش صبحگاهی در مدارس، عدم تبلیغ کافی در مورد ضرورت و فواید شرکت دانش آموزان در این فعالیت جمعی، رسمیت ندادن به ورزش صبحگاهی از سوی مسوولین آموزش و پرورش، فقدان عوامل مشوق دانش آموزان به شرکت در این ورزش مثل مارشها و سرودهای انقلابی مناسب با حرکات نرمش، بی بهرگی حرکات نرمش از اسلوب و ضوابط علمی بدلیل عدم استفاده از مربی متخصص در این فن و بالاخره فضای حاکم بر ورزش صبحگاهی که با وجود کلیه ضعفهای بالا، که عاملی مهم در دوری

امروز، - ارسای که این مراسم انجام می شود، شعارهای متن ورزش، مدت زمان آن، نوع حرکات و دیگر مسایل مربوط به آن، به سلیقه شخصی افراد یا مسوولین هر مدرسه و گذارگر دیده، توده دانش آموز این امر را مربوط به خود و جزئی از برنامه روزانه اش تلقی نمی کند و بصورت امری فرعی و غیر ضروری به آن می نگرند. به همین دلیل در فبال اشکالات و نارسایی های آن، معمولاً "احساس مسوولیت نمی کند و بی تفاوت می گذرد."

نفس ورزش صبحگاهی بعنوان فعالیتی جمعی، در ایجاد وحدت و یگانگی بین محصلین، کسترش روابط صمیمانه، تقویت حس انسان دوستی و اعتقاد به برتری کار جمعی به حرکت فردی نیز نکته ای در خور توجه و قابل تاکید است.

بقیه در صفحه ۶

هنوز هم علیرغم تجارب تلخ سال گذشته، شاهدیم که ضمن ورزش های صبحگاهی، شعارهای انحرافی و گروه گرایانه از سوی برخی برگزارکنندگان داده می شود. این امر یکی از عوامل موثر در عدم جذب توده دانش آموز به شرکت فعال در ورزش صبحگاهی است. بویژه تکیه بر شعارهای انحرافی علیه صدیق ترین دوستان انقلاب ایران در عرصه

اداری را در جهت منافع انقلاب تغییر دهد؟ اگر پاسخ شما به این سوال منفی است پس باید آنرا به امر نظام آموزشی و مساله دانشگاهها تمهیم دهید. این اولین گام خواهد بود. نظام آموزشی ما برای آنکه با روند انقلاب همپا همراه شود احتیاج دارد تا از یک وسیله جهت تامین نیازهای غیر مردمی و کاذب غارتگران در همه عرصهها - آنطور که رژیم منحوس گذشته می خواست - به یک اهم موثر و در عین حال هوشیار و دلسوز برای تامین مصالح انقلاب تبدیل شود. و در این راه باید هر چه بیشتر خصلت ارشادی بخود بگیرد. تا بتواند از جوانان و نوجوانان در عرصه های مختلف تولید و تفکر انسانهایی مندرثمر و بالنده بسازد.

نظام آموزشی ما نیازهای واقعی بخشهای کشاورزی، صنایع و خدمات تلفیق گردد. باید کاری کرد که فارغ التحصیلان دبیرستانهای ما بتوانند بر مبنای تخصص های اکتسابی به خدمت جامعه درآیند و همه اینکارها را نمی توان منحصر به یکساله پایان دوره دبیرستان نمود. باید خلاء بین کارگران ساده و متخصصین را از طریق ایجاد و کسترش مدارس حرفه ای و فنی در جنب واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی پر کرد و با ایجاد دوره های آموزشی کوتاه مدت پس از اخذ دیپلم در ارتباط با کار وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی عرصه های کاری نوینی برای جوانان بوجود آورد. در عین حال باید امکانات آموزش عالی را کسترش داده و آنرا در اختیار همه قرار دهیم. و فراموش نکنیم که نهایتاً "این انقلاب است که می باید متخصصین را از طریق پرورش نسل جوان پرورش دهد. باید دانشگاهها هر چه سریعتر کشوده شود. نمی توان دانشگاهها را بسته نگه داشت و به تغییر و تحول انقلابی آنها پرداخت آنجا انقلاب ما می تواند همه ادارات را تعطیل کند و آنگاه نظام

بغیه از صفحه ۴
بیرامون طرح جدید
آگاهی از مساله جوانان و اینکه اسانها در این سن هنوز شخصیت شان شکل اسنوار دیرپای خود را نیافته است، آیاده ما اجازه می دهد آنها را از سحنه زندگی طرد کنیم در حالی که هزاران بار امید به تغییر آنها وجود دارد؟ و یا اساساً چه چیزی جز نظام آموزشی و کلاً "انقلاب در ایجاد تغییر و تحول و به راه آوردن این "ره گم کردگان" نقش دارد و موثر است؟

یک انقلاب حق ندارد "واخوردگی" را دامن زند و نسبت به سرنوشت کسانی که هنوز به اقتضای نشان مستعد تغییرات بسیاری هستند بی تفاوتی نشان دهد.

برای تحقق واقعی دگرگونی بنیادین در نظام آموزش عالی برای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و فرهنگی میهنمان
دانشگاه ها و مدارس عالی باید هر چه سریعتر گشوده شوند

طرح پیشنهادی جنبه ارشادی را در نظام آموزشی حذت می کند و بدین ترتیب آنرا از مضمون اصلی خود تهی می نماید. و این خصیصه ایست که هیچ گونه شراهی با روند انقلاب ندارد.

هنه این مطالب کلیاتی است که می توان در خصوص نواقص و نارسایی های این طرح و نظایرش عنوان کرد در حالی که گفتن و سگافتن هر چه آن مطلب را به درازا می کشاند. امید ما اینست که خود ارائه دهندگان طرح، یعنی کسانی که بخشی از واقعیات را در تشریح نارسایی ها و نواقص نظام کنونی آموزش به درستی دیده و بد آن پرداخته اند با معن بیسردر یابند که چنین طرحهایی به هیچ روی جوابی بر مشکلات انقلاب در زمینه نظام آموزشی نیست و باید با این مشکلات بسیار، بسیار سنجیده تر، عادلانه تر و انقلابی تر برخورد کرد.

باید در نظام آموزشی قبل از دانشگاه تغییرات بسادین بوجود آید. بطوری که برنامه ریزیهای

یاردخانه و ماگرد جهان می گردیم

چرا وارثان و سازندگان میهن انقلابیمان را در داخل کشور تربیت نکنیم؟

حجت الاسلام رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی ، در بخشی از بیانی که برای هفتمین اجلاس اتحادیه انجمن های اسلامی در اروپا فرستادند ، گفته اند: " با جدیت تحصیل علم نمایید و خود را برای خدمت به مردم و پرکردن جای هزاران کارشناس جاسوس که ایران عزیز از آنها نجات یافته آماده نمایید . ایران مسلمان ، انقلابی ، آزاده و مستقل در انتظار شماست . شما وارثان و سازندگان وطن اسلامی خودتان باید باشید ."

پیام ایشان به درستی بر چند نکته تأکید کرده است ، تأکید بر زوم جایگزینی هزاران کارشناس جاسوس بوسیله جوانان دانش آموخته وطن ، جوانانی که می توانند خود را در خدمت مردم قرار دهند . نیز تأکید بر این نکته که جوانان باید بتوانند وظیفه سازندگی ایران آزاد و مستقل را عهده بگیرند . اینها نکاتی کاملاً مثبت و اصولی اند ولی زمانیکه بیاد می آوریم این کلی جملات در چه شرایطی بیان گردیده ، مساله ابعاد دیگری نیز می یابد .

هم اکنون حدود یکسال ونیم از تعطیلی دانشگاه های ایران می گذرد . نیرو و قدرت نزدیک به ۱۷۵ هزار دانشجو و ۹ هزار کادر علمی دانشگاهها - بجز

بخش کوچکی - عاطل و باطل مانده و به هرز می رود . امکانات و تجهیزات کارگاهی و آزمایشگاهی عظیمی بدلیل تعطیلی زیانبار دانشگاهها بلااستفاده مانده و سالانه مبالغ هنگفتی خرج نگهداری و حفاظت آنان می شود . آیینی توان تمام این امکانات را به خدمت انقلاب و جمهوری اسلامی گرفت ؟ آیا امکان پذیر نیست که با این نیروها هزاران جوان مشتاق تحصیل دیگر جای کارشناسان جاسوس را ، پرکرد ؟ در اوضاع و احوالی که امکانات تحصیل برای میلیونها جوان ایرانی می تواند در ایران فراهم شود ، چرا وارثان و سازندگان وطن انقلابیمان را در داخل کشور تربیت نکنیم ؟

امروز ، دانشگاه های ما بدلیل " غربی بودن نظام آموزشی شان تعطیلند . در حالی که اکثریت عظیم دانشجویان خارج از کشور در کشورهای اروپای غربی و آمریکا یعنی مرکز جهان سرمایه داری مشغول به تحصیلند .

امروز فرزندان زحمتکش ترین اقشار این ملت نمی توانند به دانشگاه و آموزش عالی راه یابند ، زیرا آنان به هیچ وجه قدرت مالی برای تحصیل در خارج را ندارند . اینان وارثان حقیقی و سازندگان واقعی ایران فردا نیستند ، البته ما شکنداریم که انقلاب ،

باید فرزندان را بویژه در رشته هایی که در داخل کشور دچار محدودیت است ، برای تحصیل به خارج گسیل دارد و بخصوص از امکانات و بورس هایی که کشورهای انقلابی و پیشرفته در اختیار می گذارد استفاده نماید .

اعتقاد راسخ داریم ، آندسته از دانشجویان مومن و معتقد به انقلاب که امروزه در خارج از کشور به تحصیل مشغولند و برای بازگشت به میهن و خدمت به مردم آماده اند ، باید مورد حمایت و تشویق قرار گیرند و به آموزش علمی و فعالیت انقلابی آنان ارج گذارده شود .

اما این بدان معنی نیست که ما از بارگشایی دانشگاه های ایران و اهمیت دانشجویان این مراکز آموزش عالی برای استقلال و آزادی میهن مان چشم پوشیم و رسالت اساسی ساختن ایران فردا را از آن هزاران جوان که در ایران درس خوانده اند ، ندانیم . ما خسته نمی شویم اگر باز هم تکرار کنیم ، که پیشبرد انقلاب فرهنگی در جریان فعال آموزشی و باز بودن دانشگاهها میسر است ، که امروز بیش از هر زمان دیگری بارگشایی دانشگاهها برای سازندگی کشورمان ضروری است .

خروش یکبارچه دانش آموزان ... به نفع از صفحه ۳

نهاده شده بود . مراسم این روز در بعضی مدارس با خواندن سرود و اجرای سخنرانی یا خواندن مقالاتی درباره ضرورت کسب علم و دانش برگزار شد . در طول هفته دانش آموزان بعضی از مدارس به همین مناسبت نمایشگاه عکس و پوستر از شرکت دانش آموزان در انقلاب و جانبازهای آنان در جبهه های جنگ علیه رژیم صدام برپا شد . در برخی مدارس مسابقات ورزشی به یاد شهدای دانش آموز برگزار گردید . و در تعداد دیگری نیز هفته دانش آموز آغاز کار تعاونها بود .

در حاشیه برگزاری هفته دانش آموز

۱- نامگذاری هفته دوم آبان ماه به نام هفته دانش آموزان یک طبعی بود که متأسفانه این برنامه به دلایلی که بر ما روشن نیست نتوانست به شکلی گسترده و سراسری اجرا شود . در آن

مدارسی هم که قرار بود برنامه به اجرا در آید ، به دلایل ناهماهنگی ، عدم کنترل و بی برنامهگی با موفقیت کامل روبرو نبود . حق آن بوده که در تدارک این هفته با شیوه ای صحیح و در سازمان یافته تر انجام می گرفت که در آن صورت می توانست حاصلی ارزنده تر داشته باشد .

۲- در برگزاری هفته دانش آموز شایسته بود که مسئولین جمهوری اسلامی ایران بر فعالیت جمعی همه دانش آموزان تأکید می کردند تا بعضی از مسئولین نتوانند برگزاری این مراسم را به گروه و تعداد خاصی از دانش آموزان محدود کنند .

۳- مضمون و محتوای سخنرانی ها و رهنمودهای مسئولین مدارس در روزهای مختلف هفته بویژه در ۱۳ آبان " روز دانش آموز " می بایست از جانب مقامات مسئول و بسا تا حدی بر اهداف انقلاب رهبری می شد تا همه نوشته ها و سخنرانی ها ، در جهت افشای توپخانه دشمن اصلی خلقهای جهان امپریالیسم جهانی به

ورزش صبحگاهی را

در مدارس ...

بقیه از صفحه ۵

جستن دانش آموزان و کم علاقه آنهاست . فضایی که به سبب گروه گرایی و تکیه بر شعارهای انحرافی و تفرقه افکنانه و کم توجهی به نظرات و پیشنهادات سازنده سایر دانش آموزان هواداران انقلاب ، برای جذب توده دانش آموزانی مناسب و مساعد نیست .

برای آنکه ورزش صبحگاهی در مدارس هرچه وسیعتر به اجرا درآید و اکثریت توده دانش آموز را زیر پوشش خود بگیرد ، باید اقداماتی جدی در جهت هماهنگ کردن ورزش صبحگاهی محصلین صورت گیرد . علاوه بر آن ، باید عوامل بازدارنده گسترش ورزش ، از میان برداشته شوند . بیشترین بخش این وظیفه به عهده مسوولین آموزش و پرورش است ، ضمن آنکه دانش آموزان آگاه و انقلابی می توانند با تلاش پیگیر خود زمینه را مساعدتر سازند و دوستان خود را به شرکت در این فعالیت جمعی فراخوانند .

تدابیر زیر جهت همگانی و عمومی شدن ورزش صبحگاهی در مدارس می تواند راهگشا باشد .

• رسمیت بخشیدن به ورزش صبحگاهی در مدارس ، مشخص کردن مدت زمان ورزش ، نوع حرکات و سرود متن آن از سوی وزارت آموزش و پرورش .

• استفاده از متخصصان تربیت بدنی جهت هماهنگ کردن حرکات نرمش صبحگاهی . آنها می توانند چند حرکت واحد و مشخص را انتخاب کرده و از طریق وسایل ارتباط جمعی بویژه تلویزیون ، مربیان ورزشی مدارس و محصلین را با این حرکات آشنا کنند .

• موظف ساختن مربیان ورزش مدارس به شرکت در نرمش صبحگاهی . تجربه نشان داده است که وجود مربی کاردان در جذب محصلین بسوی ورزش تأثیر مثبت دارد و فضای ورزش را جدی می کند .

• استفاده از سرودهای انقلابی و موسیقی رزمنه برای زیبا و پر نشاط کردن ورزش صبحگاهی . اگر سرودهای متن حرکات نرمش ، از سوی وزارت آموزش و پرورش تعیین شده و بطور هماهنگ در مدارس مورد استفاده قرار گیرد ، در ایجاد نظم و ترتیب در ورزش صبحگاهی موثر است . از رسانه های گروهی مانند رادیو می توان در این مورد کمک گرفت .

• آرایه شعارهای واحد و در چهارچوب اهداف انقلاب از سوی مسوولین آموزش و پرورش برای ورزش صبحگاهی .

• تشویق و ترغیب محصلین به شرکت در این فعالیت سازنده با گذاشتن برنامه های تبلیغی توضیحی در مدارس .

امیدواریم با توجه جدی مسئولین آموزش و پرورش و رونق بخشیدن به این حرکت جمعی و مفید شاهد برگزاری ورزش صبحگاهی بطور وسیع و گسترده در مدارس باشیم

سال تحصیلی جاری را به سال اتحاد ، سال رزم مشترک و متحد همه دانش آموزان علیه امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکای خائنکار تبدیل کنیم

بقیه از صفحه ۲

با دولت جدید جوانان از...

مدرک تحصیلی فقط به درد پشت میز نشستن می خوردند. در شرایط امروز امسا، که یک اقتصاد برنامه ریزی شده و خلقی، نیروهای کارآمد و سازنده ای را طلب می کند، ایجاد دوره های کوتاه کارآموزی در رشته های مورد نیاز کشاورزی، صنعت و خدمات، سرمایه گذاری عظیمی برای آینده ایران است. ما گمان می کنیم که برپائی چنین دوره هایی در حد توان و ظرفیت کنونی ارگان های اجرایی هست و حرکت وسیعی را در میان جوانان ما بپسند خواهد کرد.

یکی از دردناک ترین مسائلی که با آن روبروئیم برخوردی است که مینا و پایه آن تنگنری، خودمحوریتی و ارزیابی های نادرست است. چنین برخوردهایی در موارد مختلف باعث نارضایتی و دل سردی جوانان می شود. مطلب آن نیست که این مشکل فقط گریبان جوانان را گرفته، خیر، این سیاست در میان تمام اقشار و طبقات و هر کجا که تیغش بترائی داشته باشد، کار می کند و نارضایتی می تراشد. از آنجایی که جوانان نیز به شکل وسیع و در عرصه های گوناگون با این مسئله مواجهند، برآنیم که ما هم در این مورد صحبت کنیم.

آموختنیم که " هنر انقلابیون، مهارت در گردآوری و نه تفرقه نیروهاست"، اما هنگامی که به طرح مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی نگاه می کنیم و ضوابط و قواعد دانشجوی جدید یا ادامه تحصیل دانشجویان قدیمی را می بینیم، وقتی به شیوه پاکسازی صدها معلم مومن به انقلاب که سرنوشتشان با سرنوشت تحصیل میلیون ها دانش آموز گره خورده می نگریم، زمانی که شیوه استخدام هزاران جوان آرزومند خدمت به مردم را مشاهده می کنیم که فقط به علت آنکه به شیوه معینی فکر نمی کنند - مستقل از توانایی ها و قصدشان برای خدمت به انقلاب - مورد قبول نیستند، آنگاه به ابعاد ضربه های وسیع این سیاست پی می بریم و بر همه اینها اضافه کنید جو حاکم بر فضای آموزشی مدارس را که بر خلاف تمام دستاوردهای علمی در زمینه تعلیم و تربیت، فشاری بی مورد، برای اجرای نوعی آموزش می شود که با هیچ معیار و اصولی علمی قابل بررسی نیست.

مذاقان این سیاست بیایند و کارنامه خویش را ارائه کنند. موفقیتشان در جذب نیروها بوده یا در هرچه بیشتر دفع و تاراندن گروه گسروه جوانان؟ شیوه های برخورد این چنینی بسا نوجوانانی که اولین تجربه های زندگیشان را آغاز می کنند جز دل سرد کردن و بی تفاوت شدن نسبت به انقلاب و آرمان های انقلابی کدام ثمر دیگر داشته است؟

عدم شناخت روحیه خاص جوانان مسائل و مشکلات آنها در این سنین عواطف و احساساتشان در آغاز زندگی اجتماعی منجر به آن شده است که برخوردهای یکسویگانه که در مورد همگان اعمال می شود، اینجا نتایج زیان بارتری را بوجود بیاورد انتظار داریم که موقعیت خاص و ویژه جوانان در برنامه های دولت کنونی جای خویش را به درستی بیاید و با درایت و تیزبینی دولتمردان جمهوری اسلامی، انقلاب همه نیروهای بالقوه و بالفعل خویش را تجهیز

به دلیل خامی و بی تجربگی و بر بستر پیچیدگی های انقلاب ایران، جذب این گروه ها شده اند. اینها اما اکثریت کسانی هستند که گام نخستین و نیت گذشته و حالشان دفاع از منافع مردم و انقلاب بوده است. بخش وسیعی از این جوانان قابلیت آن را دارند که به آغوش انقلاب بازگردند.

امروز که بیش از هر زمان دیگری چهره خیانت رهبران این گروهها برملا شده و زمینه درک مسائل برای جوانان طرفدار این گروهها فراهم گشته، صفوف جوانان انقلابی ایران باید اینان را بخود راه دهد.

تا آنجایی که وظیفه ماست در کمک به آنها ما آمادیم و خواهیم کوشید به گفته امام که: " شما جوانان عزیز و هشیار دست به دست هم دهید و این نوابگان بی خبر را ارشاد و از دام این صیادان شیاد برهانید " عمل کنیم ولی از مسئولین هم می خواهیم که با برخورد متین و صحیح راه بازگشت این جوانان را به این انقلاب بازگشایند و آنچنانکه منافع انقلاب حکم می کند

کند و در مقابل دسائس دشمنان بکار گیرد. دانشگاه های ایران که امروز باید وظیفه تربیت گادر علمی و فنی برای رشته های گوناگون اقتصاد صنایع، کشاورزی، آموزش و پرورش، فرهنگ و... برعهده بگیرند، نزدیک به دو سال است که تعطیل مانده اند. بیش از صد هزار جوان دانشجو که در دانشگاه ها مشغول به تحصیل بوده اند، بیکار و بی هیچ دورنمایی برای زندگی آینده شان در حال انتظارند. علاوه بر اینها هر ساله هزاران دانش آموز که فارغ التحصیل می شوند نیز به خیل این منتظران می پیوندند. علیرغم تاکید امام بر اینکه " شورای انقلاب فرهنگی لازم است با کوشش فراوان و افزایش گروه های متعهد و متخصص کار خود را به نتیجه رساند و در باز شدن دانشگاه ها در این سال حداعلی توان خود را بکار گیرد " یک رشته بی برنامه گی ها ندانم کاری ها و برخی گزارندهایی ها باعث تاخیر در بازگشایی دانشگاه ها شده است.

ما همچنان تاکید می کنیم که برای تحقق واقعی دگرگونی در نظام آموزش عالی و برآوردن

آقای نخست وزیر!

جذب و سازمان دادن جوانان در سمت اهداف میهنی و مردمی، بطور موثری جنبش ما را با کامیابی های گسترده قرین خواهد کرد. بر پایه تمام زمینه های مثبتی که در واقعیات روزمره جامعه ما بسرای اجرای دگرگونی های عمیق موجود است بر اساس چشم اندازهای روشنی که در حرکت دولت جدید تصویر کرده اید و بر مبنای توانی که در مردمان سراغ داریم فکر می کنیم که باید در انتظار تحولات بسیار جدی در آینده انقلاب باشیم.

بدین سبب است که در اینجا می کوشیم تا اساسی ترین مسائل و خواست های جوانان را با دولت جدید مطرح کنیم و امید آن داریم که برنامه ها و حرکات کابینه شما برای تحقق این خواست ها و بسیج توده های جوانان و شرکتشان در مبارزه انقلابی آغازی نویسن باشد.

نیازهای رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران، باید اقدامات عاجل برای بازگشایی سریع دانشگاه ها و مدارس عالی صورت پذیرد و امیدواریم که آغاز کار دولت جدید راهگشایی برای ضرورت مبرم باشد.

ایجاد تحول بنیادی در نظام آموزش ایران از مهمترین و مبرم ترین وظایف دولت انقلابی است. ما در این عرصه با یکی از ننگین ترین آریه های نظام وابسته و استعماری رژیم شاه مواجهیم. برای حرکت در این جهت و رفع کمبودها باید نبردی عظیم را آغاز کرد و آنچه در رأس مسائل انقلاب آموزشی ماست، ایجاد امکانات برای تحصیل همه نوجوانان ایران است.

هنوز پس از گذشت چند سال از انقلاب، بسیاری از نوجوانان میهن ما که فرزندان زحمتکش این آب و خاکند، نمی توانند درس بخوانند، زندگی این هموطنان، به دلیل فقر مادی خانواده یا نبودن مدرسه در محله زندگی شان و یا نداشتن امکانات و معلم و... در کارگاهها، مزارع، کارخانجات و خانه ها می گذرد. این سخن که جای کودکان و نوجوانان در مدرسه است نه در کارگاه و مزرعه، امروز بیش از هر وقت دیگر ضرورت تحقق خویش را باز یافته است. دگرگونی در نظام آموزشی ایران و در درجه نخست اجباری کردن هشت سال آموزش عمومی برای نوجوانان ایران، خواست بحق و منطقی فرزندان راستین انقلاب ایران از دولت مهندس موسوی است.

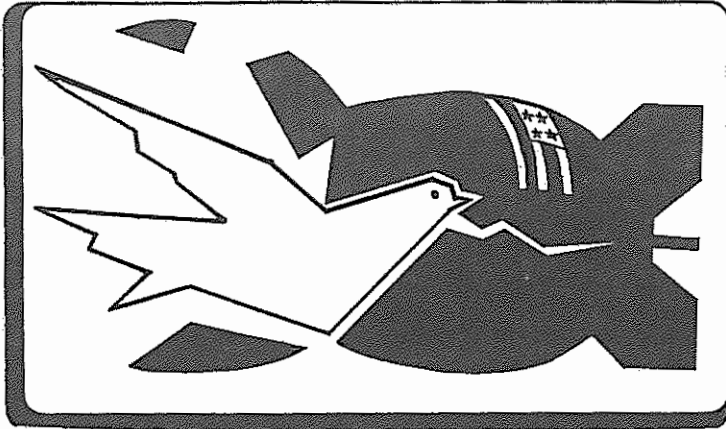
بخش وسیعی از اعضا و هواداران گروه های منحرف، جوانان رهگم کرده این ملتند. اینان

با آنها به شیوه ارشاد و اقناع برخورد کنند. جدا از فعالیت منظم آموزشی در مدارس و دانشگاه ها، مراکز ورزشی، هنری فرهنگی و علمی و عرصه های مهمی برای فعالیت آزاد و داوطلبانه جوانان هستند. آنچه در رژیم سابق در این مراکز می یافتیم چیزی جز فساد فرهنگ منحط غربی، روحیه فردی قهرمان پروری، هنر مبتذل و پسمانده سرمایه داری نبود. پس از انقلاب حق آن بود که فعالیت این موسسات با محتوی انقلابی گسترش چشمگیر یابند. ولی متأسفانه به دلیل عدم درک اهمیت این فعالیت ها در پرورش جوانان تاکنون شاهد فعالیت مثبتی در این عرصه ها نبودیم.

در این فرصت لازم می دانیم، توجه به گسترش این امکانات و دمیدن روح انقلابی به این مراکز موجب رشد همه جانبه پسران و دختران جوان ایران شده و آنها را برای انجام وظایف تاریخی شان به شیوه ای صحیح آماده خواهد کرد.

آقای نخست وزیر!

اینک که شما و کابینه جدید کار خویش را آغاز کرده اید، اطمینان داشته باشید جوانان سراسر ایران و همه نیروهای انقلابی برای همیاری و همکاری با شما و به ثمر رسانیدن اهداف انقلاب آماده اند. جوانان انقلابی ایران امیدوارند که دولت جدید با سرفرازی و پیروزی، مسئولیتی را که به عهده گرفته است، به پیش برد.



صلح

از: یانیس ریتسوس شاعر مبارز یونانی

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکای جنایتکار که مرگ خویش را نزدیک دیده است، هراسان بر طبل جنگ می‌کوبد. انبارهای سلاح را انباشته ترمی‌کند، سلاحهای مرگبارتر به صحنه می‌آورد، در نقاط مختلف آتش جنگ‌های "محدود" بپا می‌کند و وقیحانه از به آتش کشیدن تمام جهان سخن می‌گوید. اما چه عبت کوششی است.

توده‌های میلیاردری جهان، با مقابله هرچه متحدتر و گسترده‌تر با تجاوز کاران و جنگ طلبان، ندای پیروزی و صلح راه‌چرخه رساتر، بگوش می‌رسانند.

... و چنین است که اینروزها سنگفرش خیابانهای دنیای سرمایه داری با غریب‌انگیزش صلح به وجد آمده است نسلی که طعم تلخ جنگ و خانمانسوزی را با مطامع

و روزی است پیروز و خوابی است بحق .
هنگام که باز حس می‌کنی خورشید با شتاب زمین و برگش را می‌بندد
تا که اندوه را تعقیب کند و کج‌های زمان براند .
صلح است این

صلح کومه‌های اشعه خورشید است بر کستراران تابستان ،
کتاب الفبای مهربانی است بر زبان سیده دمان ،
هنگام که می‌گویی : " برادر من " - هنگام که می‌گوییم : " ما
فردا خواهیم ساخت ."

هنگام که می‌سازیم و می‌خوانیم
صلح است این

صلح ، مشت‌های گره کرده مردان است ،
نان بریان است بر سفره جهان ،
لبخند مادری است ،
تنها همین .
صلح جز این نیست .

و خیش‌ها که در تمام زمین شیارهایی ژرف می‌سازند
تنها یک نام را می‌نویسند :
صلح . همین . صلح
برستون مهره‌های شعر من
قطاری که سوی آینده پیش می‌تازد ،
سرشار گندم و گل سرخ
صلح است این .

برادران من ،
همه جهان ، با همه رویاهایش
عمیق نفس می‌کشد در صلح .
دست‌هایتان را به ما بسپارید ، برادران ،
صلح است این !

رویاهای یک کودک همه از صلح است ،
رویاهای یک مادر همه از صلح است ،
سخن عشقی در زیر درختان ،
همه از صلح است .

پدر که باز می‌گردد در شامگاه یا گسترده لبخندی در چشم‌هایش
با زنبیلی پر از میوه در دست‌هایش
و قطرات عرق بر رخساره‌اش ،
- مانند قطره‌های شبنم بر کوزه‌ای
که آب اندرونش را در درگاهی پنجره خنک می‌گرداند ، -
این همه صلح است .

هنگام که زخمها بر رخساره جهان التیام می‌یابد
و در گودالهای حفر شده با آتش توپها ، درختان کاشته آمده‌اند
و در قلبهای سوخته با خرمن آتش ، امید ، نخستین جوانه‌هایش را
به شکوفه می‌نشانند

صلح است این

.....
صلح پیاله‌های شیرگرم و کتابی است در برابر کودک بیدار ،
هنگام که ساقه‌های گندم به یکدیگر تکیه می‌دهند و می‌گویند : نور ،
نور ، نور ، نور ،

و گل‌تاج افق لبریز می‌شود از نور ،
صلح است این .

صلح ، عطرغذا در شامگاهان است ،
هنگام که توقف ماشینی در خیابان نه بمعنای ترس است ،
هنگام که صدای کوبشی بر در ، بمعنای حضور رفیقی است ،
و گشودن پنجره‌ای در هرساعت به معنای آسمانی است
که چشم‌ها را به میهمانی زنگوله‌های دور دست رنگ‌هایش می‌برد .
صلح است این

هنگام که یک روز گذشته است ، روزی از دست رفته نیست این ،
بل ریشه‌ای است که برگهای شادمانی را در شب به فراز می‌برد



جوانان انقلابی می‌توانند یک گام بزرگ بردارند و تلاش برای کسب استقلال ایرانند